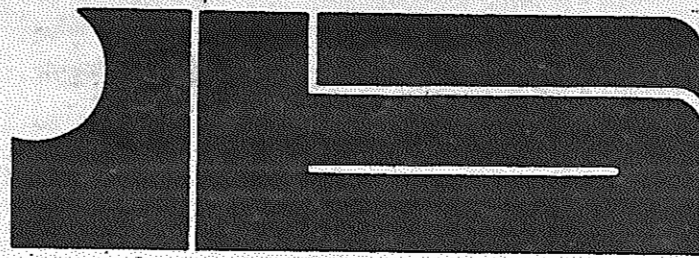


با تمام توان خود ماهیت
ارتجاعی جنگ را افشاء و با
مقاومت مسلحانه خود از منافع
زحمتکشان دفاع کنیم



کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سال دوم - شماره ۸۵

پنجشنبه ۲۹ آبانماه ۱۳۵۹

۲۰ صفحه - ۳۰ ریال

● سرمقاله

چشم انداز یک بحران ژرف

هنگامی که نزدیک به دو ماه پیش جنگ دولتهای ایران و عراق آغاز شد، چنین تصور میرفت که یک موج وسیع شونیستی سراسر جامعه را فرا گیرد و با توجه به اعتماد نسبی توده ها نسبت به حاکمیت لاقل برای یک دوره دیگر جنگ، بر توهامات توده ها دامن بزند. اما امروز آشکارترین وجهی می بینیم که آن شور و احساس ناسیونالیستی که در چند روز اول جنگ، توده ها را فرا گرفته بود با سرعتی حیرت آفرین فروکش میکند و برخلاف آنچه انتظار میرفت جنگ بسیار سریع تا ثیر خود را بر زندگی و روحیات توده های مردم برجای گذاشته است. بنحوی که نه تنها بر توهامات توده ها نسبت به حاکمیت نیفزود بلکه خود به عا ملی جهت درهم شکسته شدن سریع این توهامات و رشد نا رضایتی توده ها تبدیل شده است.

در چنین شرایطی که بحق با یاد آنرا نقطه ی عطفی در برخورد مردم نسبت به حاکمیت و تغییر در روحیات آنها دانست بررسی وضعیت سیاسی حاکم و داشتن یک چشم انداز روشن نسبت به آینده جنبش توده های و بحران موجود از اهمیت ویژه ای برخوردار است، بدون یک چنین چشم اندازی هرگز نخواهیم توانست منطبق با سرعت خارق العاده تحولات در امر انجام وظایف انقلابی خودگام برداریم.

امروز در هر مرکز تجمع توده ای، در کارخانه، قهوه خانه، در صف بنزین، صف خرید ما یحتاج زندگی، اتوبوس، تاکسی و در هر بحث مربوط به جنگ و در هر کجا که بقیه در صفحه ۲

● افزایش مالیاتهای غیر مستقیم

شیوه دیگری برای تامین هزینه های جنگ

هزینه های خود را که تنها در جهت منافع سرمایه داران و حفظ سیستم سرمایه داریست، عمدتاً از طریق بستن مالیاتهای غیر مستقیم بر کالاهای مورد نیاز زحمتکشان تامین کنند. دولت جمهوری اسلامی نیز همزمان با آغاز جنگ که زندگی، خانه و کاشانه بسیاری از هموطنان زحمتکش را به نابودی کشانده است، جنگی که هیچ ثمری جز بدبختی و فلاکت برای زحمتکشان ندارد بقیه در صفحه ۱۸

در شرایطی که توده های مردم بانحال مختلف تحت فشارهای اقتصادی قرار گرفته اند و روزی نمیگذرد که تعداد دیگری از و تیمت کالاهای مورد نیاز زحمتکشان افزوده نگردد، دولت بمنظور تامین هزینه های جنگی خود با افزایش مالیاتهای غیر مستقیم، بخش دیگری از هزینه های جنگی را بردوش توده های زحمتکش قرار داده است. دولتهایی که از منافع سرمایه داران دفاع می کنند، همیشه می کوشند

جنگ، کارگران و اضافه تولید

صفحه ۵

رئیس کل بانک مرکزی از ابقاء قرارداد های اسارت با رد دفاع می کند!

اکنون که مسئله آزادی گروگانها در دستور کار دولت قرار گرفته است، دولت جمهوری اسلامی برای توجیه سیاست سازشکارانه خود مبنی بر عدم محاکمه این جاسوسان، ناچارست به گوشه هایی از وابستگی های اقتصادی و قراردادهای نظامی ایران به امپریالیسم آمریکا و سایر امپریالیست ها اعتراف نماید و چنین وانمود سازد که حیات اقتصادی ما و عبارت دیگر بخش عظیمی از دارایی های ایران در چنگ امریکاست و ایران قادرست با باز پس دادن جاسوسها به این ثروت خویش دست یابد.

برای اولین بار در شهریور ماه گذشته بود که میزان دارایی های بلوکه بقیه در صفحه ۱۸

حمل محمولات نظامی از آمریکا به سلطنت آباد

صفحه ۱۰

در این شماره:

● اخبار کارگری

● هسته های سرخ

● افشای های سیاسی

● گزارش روستائی

اعتصاب تاکسیرانان

صفحه ۲

سیرقه قرائی "کمیته مرکزی"

صفحه ۱۵

تنها تسلیح توده ها در شوراهای انقلابی تحت رهبری نیروهای انقلابی ضامن مقابله با هرگونه تجاوز، و برقراری صلح است

چشم انداز یک بحران...

بقیه از صفحه ۱

توده ها هستند شا هدز مزه های مردمی هستیم که هر یک بنحوی نارضایتی خود را از وضع موجود ابراز میدارند. این مردم نه بورژواها و عنا صر مرفهی که انقلاب زندگی آرام و پیرعیش و نوش آنها را برهم زد بلکه همان توده های زحمتکشی هستند که با صفوف بهم فشرده، علیه نظم موجود طغیان کردند و جنبشی کم نظیر را پدید آوردند. همان توده های زحمتکشی که بر بستر یک بحران فراگیر و ژرف دست به اقدام مستقل تاریخی زدند و با آزمودن اشکال متنوع مبارزات اقتصادی و سیاسی، اعتصابها، تظاهرات راهپیماییها، میتینگها و سرانجام با یک قیام مسلحانه رژیم سلطنتی شاه را سرنگون کردند.

بحران انقلابی که به سرنگونی رژیم سلطنتی انجامید بر بستر یک بحران عمیق اقتصادی و سیاسی، فشارهای روزافزون اقتصادی بر توده ها، سلب ابتدائی ترین حقوق و آزادیهای سیاسی و بالاخره غارت امپریالیستی میهن ما شکل گرفته بود. انقلاب میبایست به علتهائی که یک چنین بحران ژرفی را پدید آورده بود و ضرورتهائی که انقلاب زاده آنها بود، پاسخ گوید اما مسیر رویدادها بگونه ای دیگر بود. حاکمیتی که با سرنگونی رژیم شاه مزدور بر سر کار آمد، نه میخواست و نه میتواندست به این نیازهای توده ها و ضرورت های انقلاب پاسخ گوید. اکنون با گذشت نزدیک به دو سال از قیام بهمین ماه توده ها در زندگی روزمره و تجربه شخصی خود تا حد زیادی بدین مسأله وقوف یافته اند که حاکمیت قادر نیست بخواست ها و نیازهای آنها پاسخ گوید و بر بحران که مدتهاست جا معرافرا گرفته است فائق آید. توده های که نزدیک بدو سال به وعده و وعیدهای حاکمیت دلخوش کرده بودند، اکنون به پوچی تمام این وعده و وعیدها پی میبرند. آنها میبینند که با گذشت هر روز، شرایط زندگی آنها دشوارتر میشود و بیش از پیش در معرض تهدید ناشی از فقر و خانه خرابی قرار میگیرند بر چنین زمینه های عینی و بر بستر بحران اقتصادی و سیاسی موجود است که با آغاز جنگ و شدت یافتن فشارهای اقتصادی و سیاسی، پیرو سده هم کوبیده شدن توهمات توده ها نسبت به حاکمیت سرعت گرفته و هر روز که میگذرد اعتماد آنها نسبت حاکمیت بیش از پیش سلب میشود.

بررسی اوضاع اقتصادی جا مع به آشکارترین وجهی نشان میدهد که حاکمیت به هیچوجه قادر نبوده و نیست که ذره ای از ابعاد فاجعه انگیز بحران اقتصادی موجود و فشارهای ناشی از آن بکاهد، بلکه طی این مدت مدام این بحران مزمن تر و گسترده تر شده است. عواقب فلاکت با این بحران تاکنون برای توده ها همانا بیکاری، گرسنگی، گرانی

فقر و خانه خرابی بوده است. ما در نبرد خلق به تفصیل دلایل این مسأله را که چرا هیئت حاکمه کنونی قادر نیست بر بحران اقتصادی موجود فائق آید، بررسی کرده ایم و در عمل نیز نشان داده شده است که تمام اقدامات و فرم های هیئت حاکمه ذره ای از بار بحران نکاسته است.

اکنون بروز جنگ با زهم برابر ابعاد این بحران و فشارهای ناشی از آن افزوده خواهد افزود. اقتصادی که اساسا متکی به درآمد های کلان نفت بوده است، اکنون با ضربه خوردن این رشته بکلی از هم گسیخته شده است. گرچه شرایط پس از قیام و بحران اقتصادی و سیاسی موجود باعث شده که میزان درآمد های دولت به میزان قابل توجهی از این رشته اقتصادی کاهش یابد اما با این وجود هنوز هم یکی از مراکز اصلی درآمد های دولت محسوب میشود. چنین بنظر میرسد که دولت در آستانه یک ورشکستگی تمام عیار دست و پا میزند، نه تنها تا میهن هزینه های جنگ بلکه پرداخت های دولت حتی به کارگران و کارمندان که مستقیما در استخدام او هستند با مشکلات متعدد روبرو شده است. در این میان جنبه کسانی جز توده های زحمتکش باید بانه مختلف با هزینه های جنگ و ورشکستگی دولت را بردوش بکشند. سوای این مسأله که اقتصاد در مجموع در حالت رکود بسر میبرد و بسیاری از کارخانه ها و موسسات تولیدی ورشکسته که در اختیار دولت قرار دارد، در حالت تعطیل یا نیمه تعطیل باقی مانده است. جنگ باعث نابودی برخی از صنایع شده و برخی از رشته های فعالیت اقتصادی نیز بکلی تعطیل یا نیمه تعطیل شده است. مدام بر تعداد بیکاران افزوده می شود و قیام است ما یحتاج اولیه زندگی توده ها با سرعتی حیرت آور در حال افزایش است. دولت با افزایش مالیاتهای غیر مستقیم بر فشارهای خود نسبت به توده ها افزوده است. این فشارها آنچنان ابعادی یافته است که توده ها علیرغم تضییقات سیاسی و حسی اختناق حاکم علنا از وضعیت موجود ابراز نارضایتی می کنند.

در چنین شرایطی اوضاع و احوال اقتصادی و فشار بردوش توده های زحمتکش است که بحران درونی هیئت حاکمه به نهایت حدت خود رسیده است. لیبرالها که پس از اشغال سفارت امپریالیسم آمریکا بکلی مفتضح و بی اعتبار شده بودند و بسیاری از مواضع قدرت را بفتح بورژوازی کلریکال از دست داده بودند، سعی می کنند از اوضاع سیاسی و اقتصادی موجود و رشد نارضایتی توده ها حداکثر استفاده را بفتح خود بکنند و موقعیت خود را در دستگاه دولتی مستحکم تر نمایند. بنی صدر این لیبرال زیرک، تمام می نایسما می را بگردن بورژوازی - کلریکال و رهبری سازشکار خریده بورژوازی سنتی می اندازد و وانگ نه

از موضع حاکمیتی که دیگر چندان مورد اعتماد توده نیست بلکه از موضع اپوزیسیون حاکمیت سخن می گویند و سعی می کنند در شرایطی که هیئت آلترناتیو نیرومندی از نیروهای انقلابی در جا مع وجود ندارد، توده ها را بسوی خود جلب کند و با اتکاب به حمایت توده ای رقیب خود را شکست دهد. اما از هم اکنون با قاطعیت تمام میتوان گفت، که در شرایط سیاسی موجود بفرض اینکه لیبرالها بتوانند، موقعیت برتری را نسبت به کلریکالها کسب کنند، با زهم بنی صدر و لیبرالهای دیگر قادر نیستند پاسخگوی بحران موجود باشند. حزب جمهوری اسلامی که اکنون به میزان وسیعی پایتخته توده ای خود را از دست داده و بیش پیش به اهرمهای قدرت متوسل شده است بسادگی تسلیم لیبرالها نخواهد شد و با تکیه بر ارگانها و نهادهائی که بیشتر مورد حمایت و تأیید است و نفوذ بیشتری در آنها دارد می کوشد موقعیت خویش را حفظ کند. اما در این مسئله کمترین تردیدی نیست که بورژوازی کلریکال ناتوانی خود را در حل بحران موجود نشان داده و اکنون به بن بست رسیده است. و درست در همین مقطع و با بهره برداری از شرایط مناسب است که رقیب لیبرال حزب حملات، گسترده ای را علیه آن آغاز نموده اند. از هر گوشه و کنار صدای لیبرالها و وابستگان به بورژوازی بزرگ بلند شده است و حتی عناصر رسوائی چون قطب زاده، این عامل سرسپرده امپریالیسم آمریکا که تا دیروز در کنار بورژوازی کلریکال در شورای انقلاب و در رأس رادیو تلویزیون و وزارت امور خارجه، سیاستهای ضد خلقی حاکمیت را اعمال می کرد و پایه ساز نسبور رادر رادیو تلویزیون بنا گذاشت، اکنون "آزادخواه" شده و علیه سیاستهای "انحصار طلبانه"، "خواختن ساق" و "سانسور" سخن می گوید، تا شاید بنا عوامفریبی، دواره برای خود کسب حیثیت کند، جنگ نه تنها در وجه مردم تغییراتی علیه نسبورژوازی کلریکال و سران سازشکار خریده بورژوازی و بفتح لیبرالها پدید آورد، نه تنها باعث شد که ارتش در بخت در اختیار آنها قرار گیرد و زمینه های بسیار مناسب برای بازسازی و تجهیز آن فراهم شود، بلکه لیبرالها هر یک به انحاء مختلف از این فرصت استفاده کرده و دار و دسته های مسلح خود را پدید آورده اند، اکنون نیروهای ضد انقلاب در گوشه و کنار مملکت در حال سازماندهی و تجهیز دار و دسته های مسلح وابسته بخود هستند، صنایع چندین هزار نفر را در کرمانشاه مسلح کرده است، فروهر بنحوی دیگر در حال تسلیح نیروهای وابسته به خود است. چهران گروهی دیگر را تحت رهبری خود سازماندهی می کند، سران مرتجع ابالات و عشار نظیر خا نهای تشقائی،

بقیه در صفحه ۹

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

کارگران متحد "بهریلاست" بر کارفرمایان و وزش شدند!

کار کرده بود. کارگران هم آمدند و انتخابات بر شوری انجام شد و شورا را آنها بعنوان اعضای شورا انتخاب شدند و یک اتاق هم برای شورا در نظر گرفته شد. کارگران کارفرما را وادار کردند شورا را تأیید کنند و کارفرما گفت "اگر اداره کار موافق باشد منم موافقم". پنج روز بعد ما موراداره کار رسیدا پیش آمد، او که وظیفه خود را دفاع از کارفرما میدانست، گفت "ما آئین نامه ای برای تشکیل شورا نداریم شما باید فقط یک نفر نماینده انتخاب کنید!" کارگران ضمن افشای نامه ای که لیست ۳۵ کارگر اخراجی در آن نوشته شده بود کارفرما میخواست اول این کارگران آگاه و سپس بقیه را اخراج کند، به نماینده اداره کار گفتند: "چرا وقتی عزیز دودا نگه داشته شد سر و کله شما برای گرفتن حقش پیدا نشد؟ چرا وقتی در خواست نصب تهویه در کارخانه را کردیم شما تشریف نیاوردید؟ چرا برای شرفس حق روزهای تعطیل پیدایان نشد؟ چرا... چرا...". نماینده اداره کار زیر رگبار سئوالات افشاکننده کارگران قرار گرفته بود و هیچ جوابی نداشت. کارگران در مقابل تلاشهای مذبحخانه و فربکارانسه نماینده مزبور گفتند: ما بجای یک نماینده، شش نماینده انتخاب کرده ایم که بهتر از حقوق خویش دفاع کنیم". کارفرما و نماینده بخيال خود آخرین برگ خود را نیز برای ایجاد تفرقه در صفوف متحدویکیا رچه کارگران بر زمین زدند و گفتند: "اینها (نماینده ها) کمونیست هستند". کارگران با یوزخند خویش چنان جواب دندان شکنی دادند که آنها ناگزیر شورا را تأیید کرده و سرافکنده کارخانه را ترک کردند. و بدینگونه کارگران مبارز "بهریلاست" پس از چند ماه توانستند اولین شورای واقعی خود را برای دفاع از حقوق حقه خویش و مقابله با توطئه های کارفرما و اداره کار تشکیل دهند. و به یقین، اگر همینگونه که تا کنون متحد بوده اند تا دخیش را حفظ کنند به پیروزیهای درخشانتری نیز دست خواهند یافت.

کارگران مبارز "بهریلاست" نشان دادند که فقط کارگران متحد و متشکل در شوراها و سازمانهای واقعی خویش قادر خواهند بود شکست ناپذیری علیه سرمایه داران و حامیان آنها تشکیل دهند و به مبارزه ای بیامان علیه هرگونه استثمار و چپاول دسترنج کارگران و زحمتکشان دست زنند. در تداوم یاد پیروزی مبارزات کارگران "بهریلاست".

کارگران مبارز کارخانه "بهریلاست" پس از مبارزات متحد و پیروز شد و کارخانه را پس از کارگری کارخانه را پس از مبارزات کارخانه "بهریلاست" تولیدکننده طباغهای پلاستیکی و مصنوعات پلاستیکی است. در این کارخانه از جمله تمام ناسس (کدخدماهی از آن میگذرد) تا کنون هیچ تنگ کارگری وجود نداشته و سهمین جهت کارفرما که از این وضع بسیار راضی بود، بودی حرارت داده و هر روز بیشتر از روز پیش به کارگران کارگران تحا و زمیکرد.

بعد از شروع جنگ نا عا دلانه دولت های ایران و عراق، کارفرمایان کارخانه نیز همانند دیگر سرمایه داران به اشکال مختلف سعی داشتند استثمار را تشدید کرده و دسترنج کارگران را سترجیا ول کند. مثلاً موشی شبانه، کمبود مواد اولیه و غیره... رادست آویز ترا ر داده و تعداد شست حقوق روزهای تعطیل را بردارد، ولی کارگران آگاه که در همه جا خا ر چشم افشاکند و با افشای حیلتهای کارفرما موجب غمی شدن آن می شوند تا اینکه کارفرما دست به حیلته تازه ای زد و روز یک یازدهم آبان، دوتن از کارگران آگاه را به دفترش احضار کرد و با تریب زبانی میخواست آنها را تطمیع کند. او با آنها گفت: اگر از اینجا بروید قتلان قدر شما خواهم داد دورضا بیتتان را حلب می کنم و هزار چای پلوسی دیگر... ولی از آنجا که یک کارگر آگاه، کارگری که به آگاهی طبقاتی دست یافته ما شد و با گوشت و پوستش لمس کرده با شکر سرمایه دار (هر که باشد، با هر رنگ، و لباس) دشمن کارگر است، هرگز فریب حیلته و نیرنگ های کارفرما را نخواهد خورد، دو کارگر آگاه "بهریلاست" نیز فریب نخوردند و خیر اخراج آنها در کارخانه پخش شد. کارگران دست از کار کشیده و اجتماع کردند و از کارفرما توضیح خواستند. کارگران شیفت دوم نیز از راه رسیدند و به اجتماع کارگران پیوستند. بچه ها در گرفت و همه آغاز شد. کارگران به مشورت پرداختند و توطئه های کثیف کارفرما را برای یکدیگر افشا میکردند. کارگران به این نتیجه رسیدند که در برابر اتحاد کارفرمایان با یکدیگر و با اداره کار! آنها نیز باید متحد شوند و شورایی برای دفاع از حقوق خود تشکیل دهند. یک مینی بوس به ده مجاور (قیروه) رفت تا بقیه کارگران را هم بیاورد. اداره کار کارفرما قبلا گفته بودند که "شورانه! فقط یک نفر نماینده"، و کارفرما چندی پیش یک نفر نماینده قبلی کارگران را نیز اخراج



اخبار کارگری

با اتحاد و مبارزه کارگران پالایشگاه آبادان، وزارت نفت بخشنامه خود را پس گرفت

در تاریخ هفتم آبان بیش از سه هزار تن از کارگران و کارکنان پالایشگاه نفت آبادان در ارتباط با بخشنامه ای که از طرف وزارت نفت صادر شده بود در مقابل ساختمان وزارت نفت اجتماع کردند. طبق مفاد این بخشنامه، کلیه کارکنان و کارگران پالایشگاه نفت آبادان که بیش از ۲۱ روز غیبت داشتند میبایست اخراج شوند. پس از مبارزات های مداوم پالایشگاه آبادان و از کار افتادن دستگاه های آن و نیز به علت بمباران های شدید محله ها و مناطق مسکونی آبادان، مردم شهر گروه گروه مجبور به ترک شهر شدند، در واقع مردم عادی در زیر آتش مرگبار رومدا و هوا پیمایها و توپخانه عراقیها مجبور به ترک شهر شدند. در آبادان دیگر نه پالایشگاهی وجود داشت که کارگران بمانند و کار کنند و نه تا مین جانی برای کارگران و زحمتکشان آبادانی که از آتش مدام و بیرحمانه ارتش ضد خلقی عراق در امان باشند. مردم در حالی شهر را ترک کردند که هرگونه فعالیت عادی متوقف شده بود و آتش دشمن مدام بر سر آنها میبارید و روزی نبود که دهها تن از مردم زحمتکش به شهادت نرسند. در چنین شرایطی وزارت نفت بخشنامه کذافی خود را صادر کرد.

روز هفتم آبان دوتن از کارگران و کارکنان پالایشگاه نفت آبادان در حالی که وجودشان از چشم و نفرت آکنده بود، در حالی که فریاد می کشیدند، به مقابله با بخشنامه ها و اعمال ضد کارگری رژیم برخاستند. آنها از جمله بقیه در صفحه ۱۹

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی دمکراتیک خلقهای ایران است

قالیچه ای با آرم سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

طی سالها مبارزات خونین و قهرمانانه خود با عزمی پولادین همیشه در سنگر کارگران و دهقانان و تمامی زحمتکشان علیه امپریالیسم و سرمایه داران نوزمینی داران بزرگ جنگیده و می جنگند.

درود بر سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
درود بر کارگران، دهقانان و تمامی زحمتکشان
مرگ بر امپریالیسم و پیگانه داخلی
هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - صحنه



★ این قالیچه که با طرحی از آرم خونین سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بافته شده، دست یافت یکی از زحمتکشان مبارز و روح کشیده روستایی از منطقه دینور صحنه می باشد. که با سلیقه ای پاک و ساده و با قلبی آکنده از عشق به خلق به وسیله دستان آفتاب سوخته و ترک خورده ساخته شده و تقدیم به انقلابیون و پیشاهنگانی می شود که

نام زبیر به همراه قالیچه ای منقش به آرم سازمان توسط هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران از صحنه فرستاده شده که بنا به تقاضای خودشان در کنار درج می گردد.
متأسفانه بدلیل فزونی مطالب قادر به چاپ تصویر قالیچه نشدیم:

تحولات اخیر سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و موضع ما

صف بندی سیاسی - ایدئولوژیک و انحرافات که هم اکنون در جنبش کمونیستی ایران شکل گرفته، محصول رشد مبارزه طبقاتی درون جامعه است.
این دگرگونی های اجتناب ناپذیر، نمودش را به شکل بارز در سازمان ما به صورت انشعاب "کمیته مرکزی" خود را نشان داد.
رفقای رزمنه و همسنگر سراسر ایران! ما به دلایل زیر از تشکیلات اکثریت "کمیته مرکزی" جدا شده و به جناح انقلابی سازمان "اقلیت" به عنوان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران پیوستیم.
اکثریت "کمیته مرکزی" بانفی مبارزه طبقاتی و پذیرش سازش طبقاتی، مشی فرمیستی خود را به این صورت نشان داد:
۱ - در مورد جنگ کردستان و سرکوب خلق کرد از جانب حاکمیت، قبل از اعلام آشکار مواضع سازشکارانه، عاملاً جنگ افروزی را حاکمیت می دانست، سپس بتدریج به جناح بندی درون حاکمیت و بخش خلقی و ضد خلقی متوسل شد و پس از مذاکره با بهشتی و دیگران ناگهان جنگ در کردستان بین خلق کرد و نیروهای سیاسی اعلام شد و شعار "سرکوبگران خلق کرد، دشمنان همه خلقهای ایرانند" از روزنامه حذف شده و جنگ کردستان به جنگ برادر کشی به دلیل فقدان دید سیاسی حاکمیت قلمداد گردید.
۲ - قانون اساسی درجائی بغایت ارتعاعی ارزیابی می گردد، در مقالات بعدی می نویسد: خلق کرد می تواند بسیاری از حقوق دمکراتیک خود را در چهار چوب قانون اساسی بستاند.
۳ - "کمیته مرکزی" در "کار ۴۴" می گوید: "نکته مثبت درسختان بنی صدر تا کید بر آزادیهای سیاسی است..... و اعتقاد داریم که آقای رئیس جمهوری بدگامهای عملی در این زمینه بردارد." در "کار ۴۸" می گوید: "بنی صدر هم مثل حزب جمهوری راه سرکوب خلقها و راه مقابله با کمونیستها را در پیش گرفته." در "کار ۵۹" رأی طرح طلب و اعمال وی را اقدامات مثبت برای خلقها می داند، و بعد در "کار ۷۵" می نویسد: "تاکید رئیس جمهور بر آزادیهای سیاسی تاکیدی درست است" و بالاخره در تلگراف ۴ مهر ماه خود، بدون هیچگونه تحلیل قبلی شعار "استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی" را بنا آمیختن خون پاسدا رو فدائی" سر می دهد.
این همه سخنان ناسخ و منسوخ در مورد سردمداران جمهوری اسلامی و عدم وجود تحلیل از حاکمیت سبب بسیاری از خصوصیات اپورتونیسم است که متناسب با شرایط موضع گیری کرده و واقعیات را از چشم توده ها پنهان می سازد.
آنان می کوشند که تمامی حرکات ضد انقلابی حاکمیت را به عناصر رویا با ندهای واهی درون حاکمیت منتسب نموده و به این ترتیب امتیازی از حاکمیت دریافت دارند.
اکثریت "کمیته مرکزی" هنوز به مسئله اساسی انقلاب یعنی قدرت واقعی حاکم پاسخ روشن و قطعی نداده است. قبل از تسخیر سفارت حاکمیت را خرده بورژوازی که قدرت را به بورژوازی سپرده است دانسته و بعد از تسخیر سفارت علیرغم اینکه نخست وزیر در شورای انقلاب ابقا می شود و دو جناح بورژوازی حاکم قدرت واقعی را در دست دارند، ناگهان وجه غالب حاکمیت خرده بورژوازی می گردد.
به قول لنین، اپورتونیسم میان نظرات ناسخ و منسوخ خود چون ما ربه خود می پیچد.
"کمیته مرکزی" که به دنبال بندوبستهایش با بلائی ها و ارگانهای حاکم تحلیلهایش دگرگون می شود نمی تواند هواداران آگاه و مبارز سازمان را و حواله مصالحه اهداف خویش قرار دهد، اما بر زمینه ناآگاهی بخشی از هواداران چند صباحی ممکنست با استفاده از نام پرافتخار سازمان به حیاتش ادامه دهد.
ما هواداران سازمان به دلایلی که بر شمردیم، همکاری خود را با سازمان پرافتخار چریکهای فدائی خلق ایران ادامه داده و می کوشیم که برکات سنیها فائق آمده و برای تحقق اهداف سازمان که همانا تحقق خواسته های کارگران و زحمتکشان است، بکوشیم.

پیروز باد رزم کارگران و زحمتکشان
نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و پیگانه داخلی

هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - آمل
۱۶ مهر ۵۹

هر چه گسترده تر با دهمکاری و اتحاد عمل نیروهای انقلابی و مترقی

جنگ، کارگران و اضافه تولید

شعار "تولید بیشتر" از هر سو بگوش میرسد. سرمایه داران و نمایندگان نشان که فرصت مناسبی برای چپاول و استثمار هرچه بیشتر کارگران یافته اند، صبح تا شب با فریاد "تولید بیشتر" حنجره می درند. سردمداران جمهوری اسلامی و مسئولین وزارت کار بمثابه پیشکشوتان این طبقه، علمداران این شعار می باشند. آنها با اتکاب ارگانهای تبلیغی و رسانه های گروهی مدام فریاد می کشند، جنگ است، جنگ! "باید با تمام قوا همه در آن شرکت کنیم!" و شرکت کارگران در این جنگ یعنی "اضافه کردن تولید کارخانجات"!!

و بدنبال ایجاد چنین جوی در جامعه است که کارخانه داران نیز با وقاحت تمام بازو در بازی یکدیگر بدنبال علم داران خود راه افتاده و فریاد می کشند: هر که با اضافه تولید مخالفت کند، "ضدانقلاب است!!" عجب! سرمایه داران از کی تا بحال از انقلاب دفاع می کنند. برای کارگرانی که تا حدی آگاهی دارند این مسئله روشن است. انقلاب از دید سرمایه داران یعنی تقویت ضد انقلاب

آنها که تا دیروز با سیاستهای خسود سازش طبقاتی را تبلیغ می کردند، امروز دیگر خدمتگزاری به بورژوازی را طرح می کنند و اینجاست که چهره آنان بخوبی افشاشده و کارگران با حرکات انقلابی خود این آستان بوسان بورژوازی را طرد می کنند. اخبار زیر گوشه ای از اعتراضات کارگران را در مقابل طرح اجباری اضافه کاری که برای "افزایش تولید" می باشد نشان میدهد. این اخبار بخوبی نشان میدهد که چگونه سرمایه داران با حیلها و توطئه های گوناگون قصد افزایش تولید را داشته اند و چگونه کارگران را در رابطه تحت فشار قرار میدهند. این اخبار رنه یک بار بلکه دهها بار دیگر اثبات می کند که شعار "تولید بیشتر" بیفیع بورژوازی و خدمتگزاری بآنوبز علیه منافع طبقه کارگر ایران میباشد.

کارخانه بافکار

در کارخانه بافکار تاکنون سه بار حیلها های مختلف قصد تحمیل اضافه کاری به کارگران را داشته اند که هر سه بار با اتحاد و مبارزه کارگران طرح سرمایه داران با شکست روبرو شده است. بار اول در پنج مهرماه بود. کارفرما که با استفاده از شرایط جنگی ساعات کار را به دوازده ساعت در روز افزایش داده بود، تا ب مقابل امت در برابر کارگران برانها وارد. کارگران که تعدادشان بیش از سیصد نفر بود با اجتماع در دفترشورا و مدیریت و با اعتراضات خود توانستند ساعات کار را از دوازده ساعت به شش ساعت در روز منتهی تمام هفته - تقلیل دهند. بار دوم در

تاریخ ۲۳ مهرماه بود. مدیریت که با حقه فوق نتوانسته بود بر سود خود بیفزاید به حیل دیگری متوسل شد. او طرح کرد که "چهار ساعت اضافه کاری روزهای پنجشنبه را باید برای کمک به برادران در حال جنگ بفرستیم" و شما نباید آنرا تقاضا کنید! او که توجیهات زیادی برای اثبات این ادعا مینمود و بر آن اصرار میورزید، وقتی با کارگران متشکمل مخالف این مساله روبرو شد، حرف خود را پس گرفت و قضیه تازه آنموقع ماهیتش روشد که عده ای از کارگران گفتند: "اگر راست میگوئی، تمام تولید این چهار ساعت اضافه کاری را برای جنگ بفرست، چرا فقط میخواهی حقوق ما را بفرستی؟"

حدس میزنید مدبرعامل کارخانه چه جوابی به کارگران داد؟ او که گیرافتاده بود و راه گریزی برای خود نمی یافت و همچنین حاضر نبود از خودش مایه بگذارد گفت: "موافق نیستم" ولی حاضر شد که از کم کردن حقوق چهار ساعت اضافه کاری پنجشنبه ها صرف نظر کند. در این رابطه ماهیت سرمایه داران و حقه آنها در رابطه با جنگ یکبار دیگر برای کارگران افشاشده و کارگران طعم موفقیت را یکبار دیگر چشیدند. با رسوم در ۲۹ مهرماه بود که فرما دست بردار نبود. مدام دنبال راههای جدید استثمار بیشتر میگشت.

بالاخره حیل جدیدی پیدا کرد: برقرار کردن شیفت کار در شب. این بار نیز به طرق گوناگون و با استفاده از عبا راتی چون "ایران در خطر است"، "سلام در خطر است"، "جنگ در پشت جبهه یعنی تولید بیشتر"، سعی نمود این طرح را پیاده کند. رئیس قسمت بافندگی هم به مدیو عامل قول داده بود که از تمام تجارب خود در راه این مساله استفاده کند. آنها ابتدا با تهدید با خراج سعی در بکار گماردن کارگران با فنده در این شیفت نمودند اما وقتی موفق نشدند با وعده و وعید خواستند به هدفشان برسند. آنها قول "استاد سرویس" شدن را که حداقل به چندین سال سابقه کار فنی و تجربه نیاز دارد به کارگران دادند اما با زهم موفق نشدند. کارگران قسمت که دیگر خشم تمام وجودشان را گرفته بود، در ۲۹ مهرماه از ساعت شش تا یازده صبح حدود ۸۵ ماشین بافندگی را خوابانده و در همین رابطه خواستار خراج رئیس قسمت شدند. مدبرعامل در جمع کارگران حاضر شد و گفت: اگر این رئیس برود منم میروم. کارگران همه با هم گفتند:

"هر چه زودتر تشریف ببرید!
شوراییتان (منظور شورای زرد
کارخانه است) را هم با خود
ببرید، خودمان کارها را
راست وریس میکنیم"

و بدین ترتیب کارگران این بار نیز مخالفت خود را با اضافه کاری اجباری نشان دادند.

کارخانه تاسیسات تهران، پاکستان

در این کارخانه ساعات کار از صبح تا پنج بعد از ظهر بطوریک روز در میان شده است اما کارگران انبار یکی از شعب بدلیل ویژگی کارشان ناچارند هر روز همین ساعات را بکار مشغول باشند ولی مدیریت

سود ویژه که قسمتی از دستمزد کارگران است پرداخت باید گردد

جنگ، کارگران واضافه تولید

بقیه از صفحه ۵
حاضر نیست پول تمام ساعاتی را که آنها بیشتر از بقیه کارگران کار میکنند پرداخت نماید. کارفرما میگوید: "طبق تائون وزارت کار به ساعات کار بیش از ۴۴ ساعت شما حق اضافه کاری تعلق میگیرد" اما کارگران بد رستی میگویند: "به تمام ساعاتی که ما اضافه بر ساعت کار رسمی هفتگی در کارخانه انجام میدهم باید حق اضافه کاری تعلق گیرد."

تفاوت این دو مساله چیزی حدود ۱۱ ساعت در هفته میباشد که کارفرما از حق کارگران بجا میزند. بدنبال این درگیری در تاریخ ۲۶ مهر کارگران انبار دست از کار کشیدند. آنها با تاق مدیر عامل ریخته و او را مورد بازخواست قرار دادند. مدیر عامل گفت: "تقصیر من نیست، وزیر کار دستور داده است." اعتراض کارگران انبار در این زمینه ادامه داشته و مورد حمایت کلیه کلنگران کارخانه میباشد. ضمناً در این رابطه انجمن اسلامی کارخانه هم جانب مدیریت را گرفته است.

کارخانه مهمات سازی

در قسمت افزار سازی این کارخانه کارگران که حاضر به تحمل فشار کار نبودند با استادکاران خود درگیر شدند و وقتی با زور گوئی آنها روبرو شدند متحدان کار را به شورای کارخانه کشیدند اما بعزلت نفوذ استادکاران در این شورا، شورا هیچ اقدامی بنفع کارگران انجام نداد. کارگران که خواهان اخراج استادکاران بودند به شورای داوری کارخانه مراجعه کردند. در مقابل طرح این شورا برای بازگرداندن استادکار قبلی که فردی تفرقه انداز بود کارگران گفتند "قسمت را باید شورائی اداره کرده و در خدمت توانمان کار کنیم."

کارخانه شوکومارس

مدیریت این کارخانه نیز چندی پیش سعی کرد با استفاذه از شرایط جنگی ۱/۵ ساعت بکار روزانه اضافه نماید اما ایستادگی کارگران در مقابل مدیریت اجازه اینکار را نداد. مالکان کارخانه که حاضر نبودند به هیچوجه این شرایط مناسب برای استثمار بیشتر را از دست بدهند حيله دیگری متوسل شدند. آنها شدت کار را افزایش دادند بطوریکه در

هفته آخر مهر ماه تولید محصولات شرکت بمیزانی رسید که در شرایط معمولی باید با ۴ ساعت کار اضافی علاوه بر ساعات کار عادی بدان دست یافت. شدت کار بحدی است که تمام کارگران این کارخانه که دچار دست درد و کمزرد شده اند و بعضی از آنها بقدری ناراحتند که در سرویس از زور درد و خستگی بگریه میافتند. بله سرمایه داران باید هم در این شرایط سود بیشتر بطلبند. از این طریق نشد از راههای دیگر که میشود به سرکارگر بیچاره هم هرچه میخواهد بیاورد، مهم نیست. در قمار موس بورژوازی سود مطرح است و استثمار بیشتر و حاکمیت حاکمی آنها چه خوب با کمک تبلیغات، قوانین و نیروهای مسلح خود شرایط این کار را فراهم میکنند. در کارخانه "شوکومارس" فشار کار زیاد، شرایط طاقت فرسائی را برای کارگران ایجاد نموده است. کارگرزنی در جواب کارگر دیگری که با او گفته بود خسته نباشی جواب داد: "اینکه دروغ است، چون از خستگی داریم میمیریم. تازه امروز ۵۰ جعبه هم بیشتر از دیروز کار کردیم."

این خبر بگوش مهندس قسمت رسیده و او با احضار آن زن کارگر با تهدید میگوید: "اگر از تولید اضافی حرفی بزنی بلافاصله اخراج خواهی شد. تازه اگر فکر میکنی خیلی خسته میشوی استعفا بده و برو" در یکی از قسمت های دیگر کارخانه کارگری روز پنجشنبه حاضر بکار کردن نمیشود. او میگفت "پنجشنبه ها وقت خودم است اگر دلم خواست اضافه کار میانم". او را به اتاق مهندس احضار کرده و قصد اخراجش را دارند که بعزلتند داشتن دلیل کافی قادر به اینکار نمیشوند اما با میگویند "تواخلاقر هستی و میخواهی کارگران دیگر را از کار کردن پنجشنبه ها باز داری!"

شرکت صنایع هواپیمائی

در این شرکت که حدود ۳۰۰۰ نفر مشغول کار میباشد پس از مبارزان هواپیمای رژیم ضد خلقی عراق کشته شدن چند نفر، ناچار به تغییر ساعت کار میشوند. پس از کلی اینطرف و آنطرف کردن بالاخره تصمیم میگیرند کارکنان را نصف کرده و یکروز در میان کار کنند. مدیریت شرکت که در تمام این مدت به فکر پائین نیامدن بازده تولیدی شرکت

بود فرصت را غنیمت شمرده و ساعات کار را از صبح تا پنج بعد از ظهر تعیین کردند. این مساله مورد اعتراض اکثریست کارکنان شرکت قرار گرفته و مانع اجرای آن میشوند. کارکنان شرکت علاوه بر زیاده بودن ساعات کار مساله خطر مبارزان هوایی را نیز که تاکنون در عرصه صورت گرفته است مدنظر داشتند. درگیری کارکنان با مدیریت ادامه داشت تا اینکه در جلسه ۲۲ مهر موفق به عقب نشاندن مدیریت شده و ساعات کار را یکساعت تقلیل میدهند. هرچند که هنوز بخواست اصلی خود نرسیده اند.

شرکت نوسازی هلیکوپتر

در این شرکت نیز که در جواب شرکت فوق قرار داد کارکنان تحت فشار شدید برای اضافه کاری قرار گرفته اند. در این کارخانه ۱۱ ساعت بر ساعات هفتگی کار افزوده شده است بدون اینکه دستمزدی به آن تعلق گرفته باشد. این کارگران علاوه بر پنجشنبه ها روزهای تعطیل نیز باید کار کنند. کارگران به این وضع اعتراض کردند، شورای این کارخانه، با دیدن اعتراض کارگران، علیه این مصوبه اقدام کرد اما موفق به لغو آن نشد.

کارخانه جنرال موتورز

در این کارخانه ساعات کار را از ۶ ساعت به نه ساعت در روز افزایش دادند. کارگران که از این مساله ناراضی هستند اعتراض خود را بشکل زمزمه در گوش دیگر کارکنان کارخانه نشان میدهند اما بدلیل جو خاصی که در این کارخانه وجود دارد کارگران تاکنون نتوانسته اند در این رابطه حرکت مشکلی داشته باشند اما به یکدیگر میگویند: "مدیر عامل دروغ میگوید، همه کارخانه ها با ندادن کارخانه ما کار نمیکنند. همه عمرمون که نباید توی کارخانه بگذرد. شورا هم بجای دفاع از ما یک مهر درست کرده است و هرچی مدیر عامل میگوید یک مهر پایش میزند."

این نمونه ها هر یک گوشه ای از جنبش طبقه کارگر و اعتراضات آنها در مورد اضافه تولید بنمایش میگذارد. و حال روی سخن ما با اپورتونیست هاست: حال دیگر چه میگویند؟ یا هنوز برایتان روشن نشده که "کار و تولید بیشتر" در این شرایط شعار بورژوازیست نه خواست پرولتاریای انقلابی؟ ... نکند پرولتاریا با مقاومت خود در برابر کار و تولید بیشتر ضداقلاب شده است؟! نه! خوشبختانه واقعیت سرسخت تراز آن است که تئوری های سازشکارانه شما تاب مقاومت در مقابل آنرا داشته باشد.

۴ ساعت کار در هفته خواست همه کارگران است



رهبر موده - واداران

افشاگریهای سیاسی در خدمت مبارزه پرولتاریا

رفقای موادار!

افشاگری های همه جانبه سیاسی در جریان مبارزه زحمتکشان، بویژه کارگران دارای اهمیتی ویژه است. هرچند از ستمگری بورژوازی نشانی هست همانجا می تواند پایگاهی برای پیشبرد مبارزه طبقاتی باشد، خواه این طبقه پایگاه در مدرسه باشد، خواه در مزرعه، خواه در خانه باشد و خواه در کارخانه، از این دیدگاه همه جا عرصه مبارزه طبقاتی است. مبارزه طبقاتی اگرچه محور پیشبرد منافع پرولتاریا و امر همزمنی این طبقه تا به آخر انقلابی است اما این امر منافی مبارزه در میان دیگر اقشار و طبقات جامعه با تکیه بر خواست های مبارزاتی آنها نیست. بدون شرکت فعال در تمام عرصه های مبارزه اجتماعی و کوشش برای پیشبرد آن در جهت منافع تاریخی پرولتاریا، مبارزه طبقاتی بغشی از پشتوانه های اجتماعی خود را از دست می دهد، بامانع جدی روبرو می شود و چه بسا که از بستن انقلابی خود مدتی برکنار افتد. کسی که در عمل فراموش کند که وظیفه اش این است که در طرح و تشدید و حل هرگونه مسائل عمومی دمکراتیک در پیشا پیش همه باشد، آنکس سوسیال - دموکرات نیست.

لنین - چه باید کرد.

غافل ماندن از مبارزات تمام اقشار و طبقات جامعه که بر بستر هزاران رویداد روزانه پیش می رود و انعکاس آن به هزار سخن از لبان مردم شنیده می شود، نادیده گرفتن منافع عظیم افشاگری توده ای و کوردلنی سیاسی است. تنها سخن گفتن از کارگران و منافع آنی و آتی آنها، تکیه صرف بر مبارزات اقتصادی کارگران جهت تبدیل آن به مبارزه سیاسی و در مجموع محبوس کردن مبارزه پرولتاریا بر تنگنای کارخانه، سیاستی انقلابی و شایسته ظرفیت تاریخی - انقلابی کارگران نیست. مبارزه با خفقان و سانسور، مبارزه با احتکارات و گرانسی، مبارزه با احتکارات و گرانسی، مبارزه با ارتش و بوروکراسی، مبارزه با اطاعت کورکورانه در ارتش و دیگر نهادهای دولتی، مبارزه با فساد و اعتیاد، مبارزه با خانه بدوشی و آوارگی، مبارزه با بیکاری، مبارزه با زانه نشینی و مبارزه با کمبودهای عظیم درمانی و بهداشتی، مبارزه با پارتی بازی و تبعیض، مبارزه با رشوه خواری و اخاذی های مالیاتی، مبارزه با احکام ضد انقلابی، دستگاهها و کمیته ها و مبارزه با تعقیب و تفتیش، مبارزه با نهادهای

رسمی و غیررسمی ایداء و کتک و ترور و کشتار، مبارزه با اعدام های ضد انقلابی و شکنجه، مبارزه با دروغ و فریب و خرافه بافی رسانه های گروهی و رویهم رفته شرکت در مجموعه مبارزاتی که پیوندی بلاواسطه با مبارزه اقتصادی کارگران ندارد، مبارزاتی که بی وقفه در تمام حرکات، حالات و گفتار مردم در جریان هزاران رویداد انعکاس می یابد و با درک انون های مبارزات دمکراتیک و درشوراها و سندیکا های مردمی متبلور می شود، همه زمینه های برای پیشبرد مبارزه طبقاتی و در جهت منافع تاریخی پرولتاریا است اگرچه مستقیم و مشخص منافع پرولتاریا را در بر نداشته باشد "اگر کارگران طوری تربیت نشده باشند که به همه و هرگونه موارد خودداری و ظلم، اعمال زور و سوء استفاده اعم از اینکه این موارد مربوط به هر طبقه ای باشد جواب بدهند - و آنهم جوابی فقط از نظرگاه سوسیال - دموکراسی نه تیران - در این صورت معرفت طبقه کارگر نمیتواند معرفت حقیقتا سیاسی باشد".

لنین - چه باید کرد؟

آیا می توانیم بدون شرکت همه جانبه در مبارزات اجتماعی و هدایت آن در جهت اهداف پرولتاریا مجری چنین رهنمود درخشانی باشیم؟ بدون شرکت فعال حتی در کوچکترین اشکال مبارزه علیه هرگونه ستمگری اجتماعی، بدون ارتباط پیگیر با توده ها، بدون دقت در رویدادها و گفتار مردم - حتی آنجا که رویدادها عادی و گفتارها معمولی به نظر می آیند - نمی توان وظیفه مبرم افشاگری های بی پایان سیاسی را پیش برد. این وظیفه که شاید در نظر بعضی رفقا ساده و آسان جلوه کند، در عمل مدام محک خواهد خورد و مرز میان پیگیری انقلابی پرولتاریا و تما یلات پراکنده مبارزاتی خرد بورژوازی را مشخص خواهد کرد. این وظیفه، وظیفه ای بس خطیر است چرا که نیروی انقلابی را در کوره عمل آبدیده می کند تا از مردم به درست ترین شیوه بیاموزد و بسازد. انقلابی ترین شیوه به مردم بیاموزاند تا سرانجام در جریان واقعی عمل انقلابی، شایسته پیشاهنگی قوای انقلابی جامعه گردد، "ما گفتیم که سوسیال دموکرات، فقط در گفتار طرفدار طرفدار رژیم بسط همه جانبه، آگاهی سیاسی پرولتاریا نباشد، باید بیان تمام

طبقات اهالی برود".

(لنین - چه باید کرد.)

بهمان اندازه که شرکت ما در مبارزه توده ها دامنه گردد، بهمین اندازه که افشاگری سیاسی در تمام زمینه های حیات اجتماعی گسترش یابد، مبارزه پرولتاریا از طریق این پیوند خلاق از آگاهی انقلابی بیشتری برخوردار می گردد.

"طبقه کارگر برای اینکه خود را بشناسد، باید بر مناسبات متقابل کلیه طبقات جامعه معاصر و قوف کامل و از آن تصویر روشن داشته باشد، و قوف و تصویری که تنها دارای جنبه تئوریک نباشد، عبارت صحیح تر بنای آن بیشتر بر تجربیات حیات سیاسی باشد تا بر تئوری".

لنین - چه باید کرد.

اگر در شرایط نسبی وجود آزادی های دمکراتیک که بزرگترین دستاورد تئوریک همین ماه بود و نمی توانست سرعت بوسیله بورژوازی مهاگر گردد، نیروهای انقلابی جامعه با شرکت وسیع علنی در مبارزات زحمتکشان و با برگزاری میتینگ ها و راهپیمایی ها توانستند با سخنرانی های بیدار کننده و شعارهای انقلابی گام های مؤثر در راه آگاهی و تشکل زحمتکشان بویژه کارگران بردارند، اگر توانستند با ده ها صدها هزار روزنامه و مجله و کتاب و بیست و نوازد در مرحله های زحمتکشان، کارخانه ها، روستاها، خیابان ها، کوچه ها و هر کجا که کوچکترین نشانی از مبارزه بوده حرکت درآیند و بر شور و خستگی ناپذیر در جهت ارتقاء سطح آگاهی سیاسی زحمتکشان بویژه کارگران بکوشند، اکنون که آزادی های دمکراتیک با سیاست های ضد انقلابی حاکمیت به تنگنای خفقان و سانسور گرفتار آمده است و هرگونه فعالیت مشخصی انقلابی با لگد و چماق و دستبند و کتک و حبس و اعدام یا سزای می شود نباید عرصه های حرکت انقلابی را محدود و تنگ انکاشت. اگر در روز دست صدها هزار نیروی انقلابی با صدها هزار روزنامه و شعار و اعلامیه و کتاب در تمام عرصه های مبارزه سیاسی برافراشته بود، امروز تمام دیوارها، تمام پل ها و میدان ها و خانه ها، تمام اتوبوس ها و کامیون ها و قطارها، تمام مدرسه ها و کارخانه ها و مزرعه ها، تمام جاه ها و کوهستان ها و روستاها،

بقیه در صفحه ۸

استقلال - کار - مسکن - آزادی

افشاگری های سیاسی

بقیه از صفحه ۷

تمام ایستگاه های اتوبوسرگا را ژها و ترمینال ها و ایستگاه های راه آهن و تمام دوایر دولتی و خصوصی، می توانند روزنامه ها، شعرا، اعلامیه ها و پوستر های مبارزاتی ما را به میان زحمتکشان ببرند و متینگ عظیم مبارزاتی ما را هر چند بظا هر خا موش اما با طنینی تاریخی بر پای دارند.

رفقا، یک نیروی انقلابی، یک کمونیست حتی لحظه ای از پیوستن نمی نشیند در هر کجا و با هر کس و با هر کسائی که هستید یک مسئله بظا هر کوچک می باشد که می توانند مینای یک گفت و گوی افشاگرانه قرار گیرند در هر کجا که هستید که دیواری هست و یا تکیه آهنی که می توانند شعاری برسینه بگیرند و آنرا با مردم در میان نهد (مواضع انقلابی سازمان) را بزبان ساده و با زبان ویژه خلقهای های ستم دیده ایران و بزبان های محلی بزرگان زحمتکشان در میان بگذارد و شعارهای مبارزاتی سازمان را بر درود پیوار شهرها و روستاها بنویسید.

رفقا! کلمه ها، عبارت ها، جمله ها شعارها، پوسترها و نوارها، روزنامه ها کتابهای ما اگر چه امروز اصوات و تصاویری است که جزء جزء آن عملکرد های عینی خود را بسرعت نشان نمی دهند اما همین صداها و تصویرهای انقلابی، فردا در مبارزات متشکل تر زحمتکشان بویژه کارگران نقش اساسی خود را باز می نمایند، افشاگری های بی ایمان و هوشیارانه ما که خفقتی ترین شرایط نیز قادر به کنترل مستمرو همه جانبه آن نیست در شکل گیری حرکت های مبارزاتی زحمتکشان جای ویژه خود را می یابد و تنها با چنین ایمانی است که می توان سنجشی درست و تاریخی از هر حرکت افشاگرانه داشت. در هر کجا هستید به این حقیقت پرشکوه بی اندیشید که ده ها هزار تن مبارزان انقلابی در ده ها هزار مکان، چون شما در حرکتند. به این حرکت عظیم بی اندیشید و در میان تمام طبقات و اقشار زحمتکش، اندیشه ها و شعارهای خود را نقش بندید. سازمان ما، سازمانی که پرچم مبارزه پرولتاریا را برافراشته است با گام های مبارزاتی و صدا های افشاگرانه شماست که به میان زحمتکشان می رود. اگر سازمان در شرایط موجود نمی تواند از هر نظر، با تمام هواداران، پیوندی مشخص تر از آنچه هسته داشته باشد بنیاید سدی در برابر سیل خروشان انرژی مبارزاتی شما گردد. با تمام قوا اخلاقی خود را در زمینه حرکت های افشاگرانه به کار بندید و با بحث روشن گرانه بر سر رهنمودهای سازمان درک خود را از شیوه های گوناگون مبارزه و کار برد آن ارتقاء بخشید و خود آفرینشگر هزاران حرکت افشاگرانه ای باشید که زندگی

روزانه توده های زحمتکش سرچشمه پایان ناپذیر آن است. رهنمودهای ماعده ترین خطوط چگونگی حرکت های افشاگرانه را با شما در میان می نهد تا خود از این رهگذر به شیوه های گوناگون و زنده افشاگری دست یابید و چگونگی و نتایج تجربه های خود را با ما در میان نهد.

رفقا بیاد داشته باشیم که تنها شور مبارزاتی کافی نیست، شور مبارزاتی باید با هشیاری انقلابی همراه باشد توده ها در زمینه فعالیت و تلاش و چگونگی آن ضرب المثل های زیادی دارند: دقت در این ضرب المثل ها که او قلسب تجربه ها و رنج های مزد زحمتکش برخاسته می تواند برای ما بسیار آموزنده باشد، مردم می گویند: فلانی بی گداریه آب زد، چاه نکنده منهار زد دید، از هول حلیم دردیگ افتاد، آمد زیرا برویش را بزدا در زد چشمش را کور کرد.

اگر از دیدگاهی انقلابی - ونه آن چنان که رایج است: مصلحت گرایانه - در این ضرب المثل ها و امثال آن دقیق شویم درمی یابیم که برای دست زدن به هر کاری باید تمام جوانب آنرا سنجید. تمام مصالح آن کار را فراهم آورد و با نوعی سازماندهی ویژه به آن کار پرداخت. در هر کاری بویژه در کار مبارزه سیاسی که هر نیرو در صف مبارزه پرولتاریا دیگر نه متعلق به خود بلکه متعلق به یک مبارزه است هر گونه بسی دقتی که به کارش انرژی - اگر چه اندک - بیانجامد و با بخشی از انرژی مبارزه را در رفع ضایعات به کار گیرد در واقع بدون توجه به تجربیات جنبش و رهنمود های سازمان و علیرغم صداقت مبارزاتی و شور انقلابی، ضربه ای بر پیکی مبارزات فرود آورده است. صداقت پرولتاریائی از یک دیدگاه، حفظ همه جانبه خود برای صرف تمام انرژی انقلابی خویش در جریان مبارزه طبقاتی است و این امری است که بدون سازماندهی مشخص ممکن نیست.

با توجه به آنچه گفته شد در فضای هوادار و وظیفه داران سازماندهی افشاگری در میان توده ها را با تمام قوا پیش ببرند و لحظه ای از این امر غافل ننمایند که مواضع سازمان با حرکت آنهاست که به میان مردم برده می شود و قوا و تحکیم می یابد.

رفقا با یاد در نظر داشته باشند که بورژوازی حتی آن گاه که تمام نیروهای سرکوب قانونی و قهری و ایدئولوژیکی خود را یکجا به کار گرفته است نتوانسته است جلوسیل خروشان مبارزات توده ها و نیروی انقلابی روشن گرش را همه جانبه سد کند.

رفقا! هر چند کار رد و قمه دسته های او باش و باندهای فالانژ و گلوله های خمپاره های سرمایه داری در قلب و مغز مبارزه طبقاتی، کارگر نیست و نمی توان شور و اندیشه گسترده انقلابی را با دستبند و اداگاه و زندان مهار کرد با این همه پیکر مبارزه طبقاتی

آسیب پذیر نیست. بی توجهی به شکردها و دام های دشمن، سهل انگاری در کاربرد معیارها و ضابطه های کار مخفی و چگونگی پیوند آن با کار عملی برانگیختن شور مبارزاتی و از دست نهادن هوشیاری انقلابی مناسب ترین زمینه برای دشمن و کارآئی اوست. تنها با رعایت کامل معیارها و ضابطه های امنیتی است که دامنه فعالیت های افشاگرانه ماهچه در گرفت و گویا توده های زحمتکش و چه در امر پخش و توزیع روزنامه و اعلامیه و تراکت و چه در امر خطیر شعار نویسی همواره گسترش می یابد و دشمن بی آنکه رد پائی از ما سراغ داشته باشد زبان ما را بر در و دیوار شهر می بیند و حرف ما را از زبان زحمتکشان می شنود بی آنکه دیگر از او کاری ساخته باشد.

رفقا! دشمن می تواند ما را در افراد که ما هیتا موجود خطا و ندام کاری است، زیر ضربه های کار و دوشمت و لگد بگیرد و به زندان افکند و حتی به قتل رساند. اما اگر هوشیارانه عمل کنیم و برای هر کار حتی کوچک با سازماندهی ویژه به حرکت در آئیم دشمن را با طبقه دارای آگاهی طبقاتی مواجه خواهیم کرد و عملا هر گونه سلاحی را در دست او از کار خواهیم انداخت.

رفقا! در نظر داشته باشیم که هزاران نیروی انقلابی در مقاطعی از جریان مبارزه طبقاتی حتی در درون جنبه های دشمن تراکت ها و اعلامیه ها را با شیوه ای شگفتی انگیز پخش کرده اند و دشمن را حیرت زده و گول برجسای نهاده اند. هوشیاری انقلابی حکم می کند برای هر حرکت افشاگرانه محیط را از هر نظر بررسی کنیم، ما موران مخفی و اعلامیه کن های صبحگاهی را از نظر دورنداریم، مراقب ماشین ها و موتور های گشتی باشیم، کانون های رسمی و غیر رسمی را در هر محیط بشناسیم، کوچه پس کوچه ها، بن بست ها، خرابه ها و مخفیگاه های طبیعی را در هر مکان نشان کنیم، از حمل ساک ها و بسته های مشخص اجتناب ورزیم و در این زمینه حمل های توده ای جستجو کنیم. کار پخش و توزیع روزنامه و اعلامیه و تراکت را گروهی انجام دهیم و در حلقه محافظت و مراقبت رفقای هم گروه با قرار اعلام خطر، فعالیت های افشاگرانه را پیش ببریم و برای وقوع هر خطر طرح توجیه و یا گریزی مناسب بیاندیشیم و آن را دقیقاً بیاد بسپاریم.

جزوه، نت های قرار و شماره تلفن همراه، نداشته باشیم و برای مبادا توجیهات قرار دادی را چند بار برای همدیگر بازگوئیم.

با سنجش روحیه مردم هر محل و مکانی طرح افشاگرانه خود را پایه کنیم. بیشتر مسائل ویژه محلی را مورد بحث قرار دهیم، منتظر تراکت ها و شعارهای سازمان نمائیم و با دقت در نوشته های "کار" و رهنمودهای سازمان، در دیوار شهرها و روستاها را به تابلو اعلانات مبارزاتی تبدیل سازیم.

سرکوبگران خلق کرد دشمن همه خلقهای ایران هستند

بهانه تعطیل کارخانه‌ها را با تشکیل "هیئت تحقیق" از سرمایه‌داران بگیریم

دوباره بکارگماشته شوند...
(اتحادیه‌های کارگری لندن)
با در تجربه ایتالیا مشاهده می‌کنیم
که کارگران در تعطیل تولید و
تعطیل موسسات به عمل مستقیم
می‌زنند و با انتخاب کمیسیون‌های
ویژه‌ای برای تحقیق درباره علل
واقعی تعطیل "به بررسی بهانه‌های
کارفرمایان و سرمایه‌داران برای
تعطیل کارخانه می‌پردازند و آنوقت با
انتخاب کمیسیون‌های نظارت، کنترل
کارخانه را بدست می‌گیرند.

آنچه مسلم است اینست که سرمایه‌داران
کارفرمایان یا مدیران کارخانجات
کشور ما نیز در شرایط کنونی
(بحران روبه‌تزیاید) بهمین
شیوه‌ها متوسل شده‌اند و میکوشند با
تهدید به تعطیل و در شرایطی نیز با
تعطیل کارخانه‌ها کارگران را وادار
به پذیرش و تحمل فشارها و تحمیلات خود
کنند.

بر کارگران مبارز و پیشرو است که
بمقابله با سرمایه‌داران برخیزند و
ضمن بلند کردن قریباً اعتراض نسبت
باین اقدام آنها به تبلیغ شرایط و
اوضاع و احوال خودشان که نتیجه
تعطیل کارخانه‌هاست (گرسنگی و
محرومیت‌های دیگر) بپردازند و با
ایجاد "صندوق بیکاری" قدرت مقابله
خود را در مقابل سرمایه‌داران افزایش
دهند. علاوه بر محض آگاهی از قصد
سرمایه‌داران در تعطیل کارخانه،

کارگران را بیک جلسه عمومی دعوت
کنند و هیئتی از کارگران آگاه و مبارز
را انتخاب کنند تا بلافاصله به بررسی
بهانه‌های کارفرمایان سرمایه‌دار در
مورد علل تعطیل کارخانه بپردازند،
کنترل خرید و تامین مواد اولیه و
فروش محصولات کارخانه را در دست
بگیرند، بر امور مالی کارخانه نظارت
داشته باشند، قراردادها را روکنند و
... تا کارشکنی‌ها و بهانه‌های سرمایه
داران روشن شود.

علاوه کارگران پیشرو باید محیط
کارخانه را با کانون تبلیغ این ایده
تبدیل کنند که اگر سرمایه‌داران در
شرایط کنونی "ضرر" می‌کنند، کارگران
حاضرند این "ضرر" را بر رویان "را قبول
کنند و با این ظلم و فشار را برای
همیشه از دوش سرمایه‌داران بردارند
و خود کنترل کارخانه را در دست بگیرند

از جمله روشهایی که سرمایه‌داران
برای سرکوب مبارزات کارگران بکار
می‌برند، تعطیل کارخانه است. سرمایه
داران با اینکار، چندهدف را دنبال
می‌کنند، یکی اینکه قدرت خود را به
کارگران نشان بدهند و با آنها بقبولانند
که اولاً اگر آنها سرمایه‌شان را بخطر
نیاندازند (۱) بیکاری و گرسنگی
زندگی کارگران را تهدید می‌کنند و
ثانیاً: اگر سرمایه‌داران "نخواهند"
هیچ کارخانه‌ای کار نمیکنند، کارگران
امنیته شغلی نخواهند داشت و سرمایه
داران هر وقت بخواهند می‌توانند آنها
را اخراج کنند. این کار که در واقع
نمایش حکومت سرمایه‌برکار است
حکومتی که همیشه در جامعه سرمایه‌داری
حاکم است در این لحظات به بهترین
وجهی خود را نشان میدهد. تجربیات
تاریخی نشان میدهد که توسل باین
روش غالباً در دوره‌هایی که تولید چار
اختلال و جامعه در حال بحران است
اتفاق می‌افتد.

بعنوان مثال در سال ۱۹۵۵ در شهر
پترزبورگ روسیه سرمایه‌داران با
تعطیل کارخانه‌ها بیش از صد هزار کارگر
را از کار بیکار کردند. آنها قصد داشتند
که با گرسنگی دادن کارگران را مجبور
به تسلیم و متوقف کردن مبارزه برای
آزادی کنند. "یاد آخرین ماههای
سال ۱۹۲۵ که کارگران ایتالیا با
تعطیل کارخانه‌ها توسط سرمایه‌داران
روبرو شدند.

این شیوه و روش سرمایه‌داران است
که برای سود بیشتر با هستی کارگران
بازی می‌کنند و زندگی کارگران و خانواده
شان را به هیچ می‌گیرند.

اما آیا توسل به این شیوه‌ها از
جانب سرمایه‌داران، بمعنای توقف
و پایان یافتن مبارزات کارگران
بوده است و کارگران در مقابل فشارها
و سرکوب‌های سرمایه‌داران تن به
استثما رو فقر و نکبت داده‌اند؟ تا ریخ
بدفعات نشان داده است که هرگز
اینطور نبوده و نیست. مثلاً در همان
تجربه کارگران شهر پترزبورگ در سال
۱۹۵۵ "هیئت اجرائی شورای نمایندگان
کارگران" طی قطعنامه‌ای مقرر داشت
که: "تمام کارخانه‌هایی که بسته
شده‌اند فوراً دوباره باز شوند و تمام
رفقای که از کار برکنار شده‌اند

چشم انداز يك بحران ... بقیه از صفحه ۲

سران بلوچ، فئودالهای کردستان و
مناطق دیگر هر یک با سرعت دار و دسته
های مسلح خود را تشکیل میدهند،
بنی‌صدر بیش از پیش بسوی ارتش پناه
برده است و حزب جمهوری اسلامی نیز
کمیته‌ها و سپاه پاسداران را در اختیار
خود گرفته و در حال سازماندهی دسته‌های
تروریستی از او با شوارا ذل معروفیه
فالانژهای حزب الهی است.

آیا بایک چنین تصویری از وضعیت
اقتصادی و سیاسی جامعه و در شرایطی
که جنگ همچنان ادامه دارد می‌توان
انتظار داشت که حاکمیت موجود در بحران
موجود فائق آید یا یکی از فراقسیمی‌های
آن بتواند بر جناح‌های دیگر قطعه
مسلط شود و توده‌ها را آرام کند، پاسخ
منفی است.

اکنون ناراضی توده‌ها در حال
گسترش است و اعتراض آنها دیگر محدود
به توده‌های یک منطقه، یک شهر و یا
یک قشر محدود نیست، بلکه عمومیت
و کلیت دارد. موج ضدآخوندی که اکنون
توده‌ها را فرا گرفته است، بیان
چیزی جز بی‌اعتمادی توده‌ها به حاکمیت نیست
حال بگذریم از اینکه لیرال‌ها و
جناح‌های وابسته به بورژوازی بزرگ
می‌کوشند، این بی‌اعتمادی توده‌ها
را نسبت به حاکمیت به کانه‌های
انحرافی بکشانند و آنرا به مبارزه علیه
روحانیت و آخوندها بکشانند.

اکنون که بسرعت توهّمات توده‌ها
نسبت به حاکمیت درهم شکسته می‌شود،
باید در آینده نزدیک شاهد رشد و گسترش
امواج اعتراضی توده‌ها باشیم، تاکنون
وضعیت سیاسی حاکم بر جامعه چنین
بود:

گرچه حاکمیت مدام با تضادهای
و کشمکش‌های درونی روبرو بود و بحران
قدرت حاکم بود، اما باعتبار اعتماد توده‌ها
ها و "خواستن" آنها هیئت حاکمه
توانست به حکومت خود ادامه دهد، اما
اینک با درهم شکسته شدن توهّمات
توده‌ها نسبت به حاکمیت، و سلب
اعتماد و رشد ناراضی‌های آنها شرایطی
پدید می‌آید که جامعه را بسوی یک بحران
زرف، پیش می‌برد. اگر بپذیریم که
بحران پیش از قیام معلول علت‌هایی
بود که آن علت‌ها بهیچوجه از میان نرفته
است، و تنها اعتماد توده‌ها به حاکمیت
آنرا بر سرپا نگاه داشته بود، اگر
بپذیریم که حاکمیت کنونی قادر به
حل بحران اقتصادی و سیاسی موجود که
با ادامه جنگ ابعاد گسترده‌تری پیدا
می‌کند، نخواهد بود، و مدام بسر
ناراضی‌هایی توده‌ها خواهد افزود، آنگاه
چشم انداز یک بحران زرف را برابر
خود می‌بینیم.

مجموعه شرایط اقتصادی و سیاسی
جامعه اکنون به مرحله‌ای نزدیک
می‌شود که دیگر ادامه اوضاع به‌روال
گذشته میسر نیست، شق ثالثی وجود
ندارد، یا پیروزی نیروهای انقلابی
یا دیکتاتور توری نظامی و شبه نظامی.

کنترل کارگری تنها راه مقابله با کمبود و گرانی

اسناد



حمل محمولات نظامی از آمریکا به سلطنت آباد

از طریق (بندر امام خمینی) و تقاضای تامین مستشار

نظامی

متن اسناد

در صفحه مقابل

هم میهنان آگاه و مبارزان!

بخوبی می بینید که جمهوری اسلامی علی رغم همه خیمه شب بازیها و عوامفریبی هایش، هیچگاه روابط نظامی خود را با آمریکا و سایر امپریالیست ها قطع نکرده است.

آزادی گروگانهای جاسوس نیز یکبار دیگر و بخوبی ماهیت سازشکار و ضد انقلابی سران جمهوری اسلامی را به هم میهنانمان نشان داد.

با افساء وسیع این حقایق و توضیح مواضع نیروهای انقلابی، سازشکاران و خائنین به خلق را طرد و صف انقلاب را تقویت کنیم.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

ت- الف ۲۶

بعد از گروگانگیری جاسوسان آمریکایی دولت مردان گفتند:

- ۱- آمریکا باید شاه را به ایران تحویل دهد.
- ۲- آمریکا باید اموال شاه را به ایران بازگرداند.
- ۳- آمریکا نباید در امور داخلی ایران دخالت کند.

و آمریکا:

- ۱- آقدر شاه را نکه داشت تا مرد
 - ۲- آقدر اموال شاه را نداد تا همه را از آمریکا خارج کردند.
 - ۳- تعهد و تضمین،،، نمود مثل،، گذشته در امور داخلی ایران دخالت نکنند.
- منظی است معروف که میگویند: "حرف مالیات ندارد"

نتیجه: مردم ایران به هیچکدام از خواستههای خود نرسیده اند؛ و گروگانها محاکمه نمی شوند.

بعد از گروگانگیری جاسوسان آمریکایی، آمریکا گفت:

- ۱- ایران را محاصره اقتصادی!! می کنیم تا گروگانها را پس بدهند
- ۲- تجهیزات جنگی را تحویل نمی دهیم تا گروگانها را پس بدهند
- ۳- سرمایه های ایران را در بانکهای آمریکا توقیف می کنیم تا گروگانها را پس بدهند... و چنین کرد.

دولت مردان ایران آقدر در جنجال به راه انداختند و حرف عوض بردند و با زور تبلیغ به خورد مردم دادند تا خواسته های اولیه فراموش شد! حالا با بوق و کرنا می گویند گروگانها را آزاد می کنیم به شرطی که:

- ۱- محاصره اقتصادی!! خاتمه یابد.
- ۲- تجهیزات جنگی تحویل داده شود.
- ۳- از سرمایه های ایران در بانکهای آمریکا رفع توقیف گردد.

نتیجه: آمریکا به تمام خواسته های خود رسیده است؛ و گروگانها آزادمی شوند.

و حالا مردم می گویند: همه دعواها سر لحاف ملا نصرالدین بوده است!!!

رحمتکشان با آزادی گروگانها بیشتر پی می برند این حاکمیت خلقی و ضد امپریالیست نیست.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

ت- الف ۲۵

پیر و زیاد مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

بسم الله تعالی

از مرکز پشتیبانی لوج تهران (ترابری حمل محمولات)

به: فف ترابری فالوج نزاچا (حرکات)

در باره: دستاره کشتی (ایران میزان) (آریا سروش) سفر ۱۰۴ بارنامه ۱

بازگشت بشماره ۵۹/۲/۱۷-۵۷/۱۲۰۳/۰۹/۷/۹/۲۰

پیرو شماره ۵۹/۲/۲-۱۶/۵۶/۱۲۰۳/۱۰/۳۲۴/۳

۱- محموله فوق بتعداد ۶۶ تکه از کشور آمریکا بحقصد بندر امام خمینی بنام

سلطنت آبدار حمل گردیده است.

۲- طبق صورتجلسه موجود از ۶۶ تکه تعداد ۳۶ تکه دریافت و بقیه کسر

میشود.

۳- با توجه به پیروی فوق خواهشمند است دستور فرمائید در مورد کسورات

اقدام بایسته بعمل آورند ضمناً در پیروی فوق تعداد دریافتی لغزشها ۴ تکه و

کسوری ۶ تکه فید گردیده است که بایستی تدریح گردد. لازم به توضیح است که

تدریح کتات منوط به ارسال صورتجلسه تحویلی میباشد.

فرمانده مرکز پشتیبانی لوج تهران - سرهنگ ۲

غفاریان



استاد نیروی هوایی جمهوری اسلامی (رکن - غیرنظامیان)
ریاست رکن ۴ نیروی هوایی (مدیریت مانتربل - طرح و برنامه)

۴۱-۳-۲۶۰۰

۵/۴/۵۹

رباره - استخدام پرسنل خارجی

بازگشت بشماره ۲۶-۷/۱۰-۱۳۰۴-۱۳/۳-۵۶/۳/۳-۵۹/۳/۲۴-۱۶/۱۶۰۰-غ

۱- فرماندهی احساسی هوایی تقاضای تأمین پرسنل مشروحه زیر را نموده خواهد شد است دستسور
نیاید با توجه به وجود پرسنل ذیصلاح فنی در آن یگان در این زمینه بررسی و با توجه باینکه تأمین بعضی از این
تخصصها قبلاً توسط سایر یگانها تقاضا گردیده است کار با است معمول و نظریه اعلام دارند تا پس از رفع محدودیت
استخدام اقدام گردد.

۲- تأمین یک نفر متخصص موتورجت از کارخانه بیازنده (توضیح اینکه کارخانه سازنده آمریکائی میباشد
با توجه به سیاست فعلی منکلت تأمین متخصص از آن طریق غیر ممکن به نظر می رسد) لذا پیشنهاد میگردد یکی دیگر
از منابعی را که قادر به تأمین این متخصص میباشد اعلام نمایند.

۳- تأمین سه نفر متخصص رده سه بیابلا از کمپانی زاپورد در تخصصهای مشروحه (با توجه باینکه به علت
وجود مشکلات فراوان در بخش قرارداد های مربوطه از طرف کمپانی با وجود تشکیل کمیسیونهای مکرر در آن رکن
شود و همچنین گونه تصمیم قطعی مبنی بر ادامه بکار گرفتن سیستمهای مربوطه اخذ نگردیده است لذا تا روشن شدن
وضع نگهداری سیستمها تأمین این پرسنل از کشور انگلستان مقدور نخواهد بود لذا چنانچه منعی وجود دارد
که بتوان پرسنل مورد نیاز از آن تأمین نمود معرفی نمایند).

الف - متخصص A.T.E یک نفر برای مدت یکسال

ب - متخصص Manual Test یک نفر برای مدت یکسال

پ - متخصص Radar Wave Guide یک نفر برای مدت یکسال

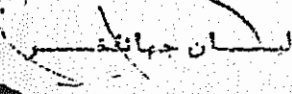
۴- تأمین متخصص D.T.E دستگاههای هاگ در رده دپوشی برای مدت ۶ ماه جهت یگان C.M.F

(توضیح اینکه یگان فوق الذکر تاکنون فاقد این نوع متخصص بوده است)

۵- تأمین یک نفر متخصص I.M.S در تخصص ۳۲۸×۴ در رده الکترونیک جهت تکمیل پروژه وستینگهاوس

انجمن شد در ستاد نیروی دستگاه EMATS (یگان پیشنهاد نموده است آقای توفیق حداد با توجه به سابقه
استخدام نمودن)

رکن ۱ نیروی هوایی جمهوری اسلامی - سرهنگ خلیلیان جهانگیر



مبارزه پیروزمندهانه "شورای دهقانی" روستای یوسف آباد املش

روستای یوسف آباد از توابع بخش "املش" شهرستان رودسر در دامنه کوههای سرسبز پوشیده از چای ترا گرفته است. در این روستا بیست خانوار (۲۰) سکونت دارند که زندگیشان از راه تولید محصولات چای، برنج و مرکبات (پرتقال) میگذرد.

این روستا از حداقل امکانات بی بهره بود اما اهالی آن با اتحاد و همبستگی توانستند بزرگ منطقه ای به روستا بیاورند. زحمتکشان این روستا همچنین با ایجاد شورای انقلابی ده توانستند اولین حرکت انقلابی خود را شمر بر سرانند و آن، مصادره چاه آرتزین آرزمنندی بود که متعلق به شخص سرمایه داری بنام "مهندس شمس الدین غروی املشی عضو حزب "ملت ایران" بود که ده ها هزار تومان ارزش دارد که در حقیقت از خون روستائیان زحمتکش ساخته شده بود.

سرمایه دار مزبور که هر ساله با فروش آب بروستائیان زحمتکش برای مشروب کردن مزارع، چندین هزار تومان بدست می آورد، به هر نیرنگی متوسل شد و عوامل حکومتی را بکمک طلبید تا چاه را دوباره از دست روستائیان خارج کند اما از آنجا که زحمتکشان روستا متحد شده و به حمایت از شورای خویش برخاسته بودند شورا نه تنها توانست دست سرمایه دار و عوامل حکومتی را کوتاه کند، بلکه با فشار به بخشدار املش آنرا وادار کردند که شورا را برسمیت بشناسد.

از اقدامات دیگر این شورای روستائی دریافت سهمیه سیگار از دخانیات رودسر و توزیع آن بین روستائیان و درخواست ترمیم و بازسازی راه روستا و دریافت پول از بخشدار و مردم بابت مرمت جاده و رفع دیگر نیازهای روستا بوده است.

زحمتکشان مبارز یوسف آباد اکنون دریافت اندک که تنها با اتحاد و همبستگی می توانند حقوق خویش را بدست آورند. آنها در عمل و در تجربه دریافتند که با تشکیل شورای واقعی می توانند در مقابل ستم و اجحاف سرمایه داران و ملاکین انگل و مفتخو ربا بستند و پیروز شوند.

با کمکهای مالی خود سازمان را یاری رسانید!

رفقای کرمانشاه ذ - ۲۲۸۸ ر - ۲۰۵۵ ع - ک ۱۰۷۲ ع - ز ۲۱۱۰ ک - ۵۳۳۳ ه - ۳۶۷۸	رفقای روستاهای م - خ - الف ۱۰۷۰۰ ریال	رفقای کردستان ع - ۳۰۰۰	رفقای انزلی ریال ۱۰۰۰ س ۵۰۰۳	رفقای قائم شهر ۱۹۴۴	رفقای یوسف آباد ا - پ ۱۰۰۰ ریال ه - ۴ - ۵ - ۵۰۰۰ ریال	رفقای مینا و آب الف ۲۰۰۱ ریال ۱۰۰۰۰	رفقای فسر ریال ۱۰۰۰۰	رفیق معلم ریال ۵۰۰۰ دانش آموزان پیشکام راهنمائی تحصیلی کتابیون قائم شهر ریال ۳۰۰۰	رفقای گوشه برورد ۱۱۴۰۰	هما ۲۰۰۰۰ ریال سیما ۲۰۰۰۰ ریال رفیق محمد ۴۰۰۰ رفیق سایو ریال ۵۰۰۰ آراز ۱۵۰۰ ریال رفیق داود ۱۷۰۰۰ رفیق اژدر ۵۳۵ ۳۰۰۰۰ رفیق کورش ریال ۴۰۰۰ لونا ۵۰۰ ریال رفیق مریم ۲۰۰ ریال	رفقای استراسبورگ ۱۵۸۸ - ف رفقای پاریس ۱۷۰۰ - ف رفقای بوهم ع - ر ۵۰۰۰ ریال رفقای استکهلم ۱۵۰۰ - ک رفقای حیدرآباد هندوستان نامه تان رسد	رفقای کردستان ع - ۳۰۰۰	رفقای آرمان زنجان ۲۰۱۱	۳ - ش ۸۴۵ رفیق اصفهان	رفیق رقیه ریال ۵۰۰	رفیق م ۱۲۵ - ۵۰۰ ریال از کرمانشاه من محصل سوم راهنمائی هستم، تمام پس اندازم را که در طول چند ماه جمع آوری کرده بودم برای سازمان فرستادم ام، برادرم معلم اخراجی است و پدرم که کارگر روزمزد است تنها نان آور خانواده هشت نفری است. این پنجاه تومان را پنج ریال پنج ریال جمع کرده ام.	رفقای کارگزاران ریال ۶۵۰۰	رفقای آمل ریال ۵۰۰۰	رفقای دبیرستان هیترا ریال ۲۶۰۰	رفقای دبیرستان ۲۲ بهمن ریال ۷۳۱۵	رفقای دانشجوی شیراز ریال ۱۰۰۰	دانشجویان مدرسه عالی پارس ریال ۳۵۰۰۰	رفقای کردستان ع - ۳۰۰۰	رفقای آرمان زنجان ۲۰۱۱	۳ - ش ۸۴۵ رفیق اصفهان	رفیق رقیه ریال ۵۰۰	رفیق م ۱۲۵ - ۵۰۰ ریال از کرمانشاه من محصل سوم راهنمائی هستم، تمام پس اندازم را که در طول چند ماه جمع آوری کرده بودم برای سازمان فرستادم ام، برادرم معلم اخراجی است و پدرم که کارگر روزمزد است تنها نان آور خانواده هشت نفری است. این پنجاه تومان را پنج ریال پنج ریال جمع کرده ام.	رفقای دبیرستان رشوفی ریال ۲۵۵۰	رفقای دبیرستان بهار آزادی ریال ۱۲۰۰	رفقای خوزستان ۱۱۳۰ ه ۲۰۰۰ ه تولاج ۵۰۹۹ م ۲۱۱۵ ل ۳۰۰۰ ز ۳۱۱۱ ش ۷۱۱ پ ۲۰۴۴ ج ۴۰۰۶ ک ۲۵۱۰ پ ۲۵۳۹ ب ۵۲۳۹	رفقای کرمانشاه ج ۵۲۲۲ ک ۳۳۴۵ ی ۲۵۱۱ م ۶۲۵ ن ۵۲۰۰ ص ۱۱۱۱ ج ۳۲۳۲	رفقای دولت آباد ریال ۲۰۰۰ ریال ۱۰۰۰	رفقای سروان ریال ۵۰۰۰	رفقای صحنه ریال ۶۰۰۰	شهرک اکباتان ریال ۴۰۰	ن - ۲۰۰۰ ریال	رفقای استراسبورگ ۱۱۳۹۱۱ ف - ۲۵۰۶ ب - ۱۰۰۰ ن - ۲۰۰۰ ز - م ۲۱۲۵ ح - ۵۰۵۰ ر - الف ۲۱۲۵ ع - ۵۸۲۱ م - ۳۵۵۵
--	---	---------------------------	------------------------------------	------------------------	---	---	-------------------------	--	---------------------------	---	---	---------------------------	---------------------------	--------------------------	-----------------------	---	------------------------------	------------------------	-----------------------------------	--	----------------------------------	--	---------------------------	---------------------------	--------------------------	-----------------------	---	--------------------------------------	---	--	---	---	--------------------------	-------------------------	--------------------------	---------------	--

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند



هسته‌های سرخ کارخانه به مثابه سنگ زیربنای حزب پرولتاری

۳- شکل سازمانی واحدهای کارگری

سازماندهی نیروها در کارخانه باید متبنی بر اهدافمان در آنجا باشد. ولی شکل سازمانی عام نیروها در کارخانه باید طوری باشد که بتوانیم بدو خواسته زیر دست یا بیم:

۱- توانائی در رهبری توده کارگران، سازماندهی و آگاه کردن آنان.

۲- جلوگیری از آسیب پذیری نیروها - یمان، تا حد امکان.

باید بتوانیم نیروی خود را بشکلی سازماندهی کنیم که موثرترین شکل رهبری توده کارگران باشد. یعنی اینکه آن شکل سازمانی را در بین رفقای خود، کارگران پیشرو، کارگران معترض و مبارزین صنفی کارخانه بوجود آوریم که بتوانند به بهترین نحوی بسیج کنند و سازماندهنده کارگران در برابر کارفرمایان باشد.

سازماندهی مادر کارخانه باید طوری باشد که ضمن کشیدن حفاظ امنیتی برای رفقای خود، قدرت رهبری کارگران و آگاه کردن آنها را از ما سلب نکند.

بر اساس خواسته‌های فوق، تلفیق کار مخفی و علنی و استفاده از طرح لنینی حوزة های کارخانه، شکل سازمانی واحدهای کارگری زیر را ارائه می کنیم.

ما با این نوع شکل بندی ادامه کاری خود را درون کارخانجات تضمین خواهیم کرد، و میتوانیم به بهترین نحوی از یک طرف اشکال مبارزاتی و سازمانی توده ها را ارتقاء داده و از طرف دیگر چهره اپورتونیزم راست را که مدام فریاد میزند آی کارگران تند نروید. مشت خود را گره نکنید. قانونی اقدام نمائید. و..... را در جنبش کارگری - کمونیستی ایزوله نمائیم

ما با سازماندهی نیروهای پیشرو بر اساس طرح فوق در کارخانه، قادر خواهیم بود ضمن حفظ هسته های سیاسی مخفی، به بهترین شکلی توده های وسیع کارگری را در سازمانهایی همچون شوراها، سندیکاها و..... متشکل نمائیم ما به این ترتیب میتوانیم کار مخفی و کار علنی را با مرکزسی مشخص از یکدیگر جدا نموده و به بهترین شکلی آنها را تلفیق نمائیم. به این ترتیب رفقای علنی کارما در شوراها و سندیکاها و... وظایف صنفی خود را پیش خواهند برد، بدون آنکه ملزم بدان آگاهی سیاسی و افشاگری مستقیم از حاکمیت باشند، که خود تا حد بسیار زیادی جلوی ضربه خوردن آنها را خواهد گرفت، ضمن اینکه علاوه آگاهگری سیاسی و کارتلیفی و ترویجی در کارخانه توسط رفقای مخفی کارپر خواهد شد.

اکنون قبل از آنکه به وظایف هسته های سیاسی - مخفی و هسته های صنفی - علنی که هر دو هسته های سرخ کارخانه، با دو وظیفه متفاوت میباشد بپردازیم، توضیحی چند درباره کمیته کارخانه ضروری بنظر میرسد.

درباره کمیته یا حوزه کارخانه:

.....
اگر کمیته کارخانه مسئولیت اداره چندین کارخانه هم تولیدی هم منطقه را بعهده داشته باشد. باید یک کمیته اصلی و چندین کمیته فرعی کارخانه تشکیل شود. آنگاه در کمیته اصلی فقط مسئولین کمیته های کارخانه حضور یابند، بدین ترتیب

.....
البته اکثر اوقات در شروع کار در یک واحد کارگری ما به هیچوجه هستای نداریم که بخواهیم آنها را مخفی و علنی کنیم یا همینطور از نیروهای مبلغ و مروج یا توزیع کننده خبری نیست.

تحت این شرایط کمیته کارخانه ما را فقط یک نفر مسئول سازمانی تشکیل میدهد، که با یک نفر فعال سیاسی - مخفی و یا صنفی - علنی ارتباط دارد این رفقا تمام مسئولیت تبلیغ و ترویج توزیع و گسترش تشکیلات را بعهده دارند تا در پروسه خود را از نظر کمی و کیفی رشد داده و تقسیم کار و وظایف آنها مطابق با شکل سازمانی واحدهای کارگری گردد. برای رفقا شیکه با اینچنین شرایطی روبرو هستند با یک وظیفه گسترش تشکیلات و جذب نیروی با کیفیت عمده گردد. یعنی در دوره ابتدای فعالیت ساختن استخوان بندی تشکیلات درون کارخانه مبرمترین وظیفه ماست، و از طرق مختلف میتوان به آن رسید که در بخشهای بعدی توضیح خواهیم داد.

البته ممکن است در شرایطی با کثرت نیرو و روبرو شویم که در این صورت تعداد هسته های مخفی و علنی بر اساس سیاست روند تشکیلاتی (که آن نیز در بخش های بعدی خواهد آمد) باید گسترش یابد ایجاد نشریه کارخانه از وظایف کمیته کارخانه میباشد. این نشریه با طرح مداوم مسائل سیاسی - اقتصادی کارگران باید بر آگاهی طبقاتی آنها افزوده و زمینه سازی باشد تا توسط نشریه ارگان مرکزی - کارگران را به درون فعالیت سیاسی طبقه کارگر بکشاند. از طریق این نشریه دایره سمپا تیزانها پیوسته گسترش مییابد و زمینه مناسب برای جذب نیروهای جدید و فعالیت بهتر در سطح کارخانه مهیا میگردد.

۴- وظایف هسته های سیاسی - مخفی کارخانه

وظایف این هسته ها را میتوان به دو بخش کلی تقسیم کرد: یکی وظایف بقیه در صفحه ۱۴

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیشتاز مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

هسته‌های سرخ کارخانه

بقیه از صفحه ۱۳

درونی هسته، دیگری وظایف بیرونی آن، که به کارخانه مربوط میشود. و در ثانی، هر یک از این وظایف خود به دو قسمت: وظایف تشکیلاتی، و وظایف سیاسی - ایدئولوژیک هسته، تقسیم خواهد شد.

وظایف درونی، وظیفه سیاسی - تشکیلاتی است که هسته در قبال خود دارد، که باید کیفیت و توان خود را هر لحظه افزایش دهد. تکیه روی مسائل مبرم جنبش و توانائی در پاسخگویی به آنها - در این صعود کیفی، الزامی است. وظایف بیرونی، مسئولیتی است سیاسی - تشکیلاتی که هسته در قبال کارخانه دارد. این مسئولیت را که جنبش از طریق سازمان یا حزب - به عهده هسته می‌گذارد، دارای اهمیت اساسی است و آن عبارت است از رشد آگاهی کارگران (که در شرایط کنونی باید مضمون زدودن هر چه بیشتر توهم کارگران از حاکمیت و ایزوله کردن اپورتونیزم راست از جنبش کارگری را داشته باشد)، سازماندهی آنها و ارتقاء سطح مبارزاتی‌شان، و از همین رو است که هسته‌های کارخانه، بمثابه سنگ زیربنای حزب پرولتری عمل میکنند.

الف وظایف درونی هسته‌ها

- ۱- وظایف تشکیلاتی درون هسته‌ها:
 - ♦ آموزش مسائل امنیتی و تعیین دقیق چگونگی حرکت ظاهری در کارخانه و طرز برخورد با دیگر کارگران.
 - ♦ آموزش تصفیه در خیابانها و فراگیری شیوه‌های تعقیب و ضد تعقیب
 - ♦ برنامه‌ریزی برای اوقات بیکاری هسته در روز، نوشتن برنامه و کنترل آن توسط مسئول هسته.
 - ♦ سعی در ایجاد روحیه و خصلت‌های انقلابی، از طریق ایجاد فضای رفیقانه در هسته.
 - ♦ اجرای دقیق انتقاد و انتقاد از خود.
 - ♦ آموزش شیوه صحیح گزارش

نویسی، رفقای درون کارخانه باید به گزارشگران قابل تبدیل شوند.

♦ لازم است کارگزارش دهی بقدری سیستماتیک شود که بصورت یک روش وضع شده بعنوان بهترین رسم جنبش کمونیستی درآید. " کمترین).

♦ کنترل و بازخواست دیگر ارگانهای تشکیلاتی سازمان و شرکت فعال در بهتر شدن عملکرد آنها.

۲- وظایف سیاسی - ایدئولوژیک درون هسته‌ها

♦ پیشبرد مبارزه ایدئولوژیک درون هسته‌ها، همگام با کل تشکیلات (در صورت توانایی هسته) تهیه و اجرای برنامه‌های آموزشی تثوریک دوره‌ای (مثلاً ۲ ماهه).

کتاب تهیه شده باید در سطحی باشد که با کیفیت رفقای هسته همخوانی داشته باشد. گذاشتن مطالعات فردی و مطالعه جمعی در هسته‌ها. این برنامه‌ها میبایست توسط هیئت سیاسی سازمان یا کمیته کارگری آن تدوین و ارائه شود.

♦ مطالعه و بررسی نشریه ارگان رسمی - کنترل رهبری سیاسی - ایدئولوژیک سازمان بطور پیگیر و دائمی.

♦ تقسیم کار در بررسی و تعقیب وضع سیاسی جامعه بطور اعم و اوضاع کارگری بطور اخص باید در دستور کار هسته‌ها باشد. رفقای هسته باید هر هفته چند ساعت از وقت خود را به این مطلب اختصاص دهند. در مورد اول رفقا میتوانند با تقسیم کار در بین خود مثلاً

- موارد زیر را از طریق روزنامه‌ها تعقیب کرده و هر هفته خلاصه‌ای از آنرا در جلسات ارائه دهند.
- ۱- وضعیت سیاسی حاکمیت، بررسی عملکردها و تضادهای درونی آن.
- ۲- بررسی حرکات اعتراضی مردم و مسائل آنها و واکنش ذهنی‌شان.
- ۳- حرکت‌های اقتصادی رژیم.
- ۴- بررسی حرکت اپوپولیسم در رابطه با ایران و منطقه از نظر اقتصادی سیاسی، نظامی، و در رابطه با آن حرکت نمایندگان سرمایه‌های بزرگ ضربه خورده را مورد مذاکره قرار دادن.

در مورد دوم یعنی بررسی اوضاع جنبش کارگری در هر هفته، میتوان چنین تقسیم وظایفی نمود:

- ۱- وضعیت شوراها و کارخانه.
- ۲- وضع اعتراضات کارگری و خواست‌های آنان.
- ۳- وضع انجمن‌های سلامی و مدیران درون کارخانه‌ها.
- ۴- عملکردهای ارگان‌های دولتی در رابطه با کارگران.

پس از بحث روی مسائل فوق، باید موضع‌گیری اپورتونیزم راست در قبال هر یک از مسائل فوق را شناخته و چگونگی ایزوله کردن آن، و هدایت جنبش کارگری را (چه در مورد یک کارخانه و چه در مورد طبقه کارگر) به بحث گذاشت.

♦ رفقای هسته‌ها، خود باید شروع به نوشتن اعلامیه و تراکت‌ها به تبلیغی در مورد مسائل موجود در کارخانه نمایند. این نوشته‌ها را در هسته‌ها به بحث گذاشته و نقاط ضعف یا صفات برجسته آنرا مشخص کنند و (در صورت لزوم) پخش گردد. ادامه مستمر این کار، گام بسیار مثبتی است در جهت ارتقاء رفقای هسته تا حد مسئولین کارخانه.

ب وظایف بیرونی هسته‌ها

- ۱- وظایف تشکیلاتی هسته‌ها در کارخانه

بقیه در صفحه ۱۷

با اتکاء به نیروی توده‌ها برای صلح دمکراتیک در کردستان بکوشیم

سیر قهرقزایی "کمیته مرکزی"

"جنگ موجب تسریع این تکامل گردیده ،
اپورتونیسیم را به سوسیال شونیسیم بدل
کرده ، وحدت پنهانی بورژوازی را به
وحدت علنی مبدل نموده است ...

اپورتونیسیم و سوسیال شونیسیم یک
مضمون سیاسی - ایدئولوژیک دارند ،
همکاری طبقاتی بجای مبارزه طبقاتی ،
چشم پوشی از شیوه های انقلابی مبارزه ،
بیاری کردن حکومت کشور خود در موقعیت
پریشانی بجای بهره برداری از این
پریشانی برای پیشبرد انقلاب .

لنین - سوسیالیسم و جنگ
سوسیال شونیستهای "کمیته مرکزی"
که سیر قهرقزایی خود را با سرعتی وصف
ناپذیر طی کردند ، اینک بطور کاملی
در پشت سر حاکمیت بورژوازی حرکت
میکنند . آنها اینک دیگر از معلم برجشان
" حزب توده " چیزی کم ندارند . بصورت
یکپارچه تقدیس و تطهیر حاکمیت
بورژوازی را وظیفه خود قرار داده اند و
میگویند توده های خلق و کارگران و
زحمتکشان را که بسرعت توهمات خود را
نسبت به حاکمیت از دست میدهند چند
روزی بیشتر در دام بورژوازی حفظ کنند
میگویند توجیه گریستما می سیاستهای
مداخلی و بورژوازی حاکمیت باشند و در
جایی که دیگر چنین عملی ممکن نیست و یا
در زمانی که حاکمیت با " نمک نشناسی "
حرکتی بر ضد خودشان انجام میدهد ، با
نسبت دادن این حرکات و اعمال به
" دستهای مرموز و مشکوک " و یا " ایدی "
مجهولی از امپریالیسم و یا اشباح و ارواح
آسمانی و برون مرزی و ... از هر گونه
هدشه دار کردن حیثیت حاکمیت و از هر
گونه ضربه خوردن بر توهمات توده های
ملوگیری کنند .

ما در این مقاله بر آن نیستیم که به
بررسی بنیادهای تفوریک سوسیال
شونیسیم و یا به برخورد ایدئولوژیک با
آن بپردازیم (اینگونه برخورد بکرات
انجام گرفته و همواره نیز ادامه خواهد
داشت) بلکه در صدد آنیم تا چند مورد ساده
از سیر قهرقزایی " کمیته مرکزی " با عمق
دره سازش طبقاتی را مثال بیاوریم تا
با رد دیگر ضمن اثبات تمامی گفته هایمان
در این مورد ، این حکم نیز بعینه اثبات
شود که چگونه " جنگ موجب تسریع این
تکامل گردیده ، اپورتونیسیم را به
سوسیال شونیسیم بدل کرده ، وحدت پنهانی
اپورتونیسیم ها و بورژوازی را بوحده
علنی مبدل نموده است .

برای ذکر این مثال ها احتیاج
زیادی به جستجو و تفحص نیست به هر
قسمت از ارگان سراسری " نگاه کنی
نمونه ای بدست می آید . اپورتونیسیم

از ابلاهی تمامی سطور " ارگان سراسری
بیرون میزند . برای مشخص تر شدن این
مساله ، چند نمونه از مسائلی را که در " ارگان
سراسری " (شماره ۸۱) طرح ، وهم
جنین سیر حرکتی را که با این مواضع
منجر شده است بررسی کنیم :

" کمیته مرکزی " ارگان سراسری
شماره ۸۱ خود تحت عنوان " کارگران شیشه
و گاز ... " مینویسد :

" با شروع جنگ تحمیلی ، کارگران در
دوشیفت ۱۱ ساعته و ۱۳ ساعته و در -
شرایطی که همه هواکش ها و منافذ
سالنهای کارگاهها بخاطر جلوگیری
از تابیدن نور ، با بید مسدود یا شیشه
کا رطاق فرسایشیها نه روزی در فضای
خفه و داغ در کنار رگوره ها بکار رسی
پردازند ، این فداکاری و تحمل
انقلابی در سخت ترین شرایط کار ، بیانگر
رشد آگاهی ، هشیاری انقلابی و درک
مسئولانه عمیق طبقه کارگر تهران میهن ما است
شایسته است که این درک مسئولانه
انقلابی ، سرمشق همه کارگران و
زحمتکشان میهن ما قرار گیرد "

عمق انحطاط این حاکمیت دروغین طبقه
کارگردری این جملات پیدا است ،
بورژوازی با داشتن چنین مبلغین
دیگر چه غمی دارد . از نظر " کمیته مرکزی "
تن دادن به شدیدترین نوع استثماد در
محیطی خفقان آورو شرایطی طاقت فرسا
با کمترین دستمزدها ، فرسوده شدن
هر چه سریع تر کارگران ، از دست رفتن
تمامی توان و نیروی با زوی زحمتکشان
در زیر چرخ دنده های کارخانجات بخاطر
تولید بیشتر در خدمت سرمایه داران ، این
است " درک مسئولانه انقلابی " طبقه کارگر
بنظر میرسد عقب افتاده ترین و نا آگاه -
ترین اقشار پرولتاریا از نظر سوسیال
شونیستهای ما ، مسئول ترین و انقلابی
ترین کارگرانند .

ابتدای حرکت ، لزوم اضافه کردن
تولید با شیوه ای فریبکارانه آغاز
گشت . بر طبق روال معمول اپورتونیسیتها
برای طرح مساله در اذهان توده های
هوادار و آماده نمودن آنها در جهت
پذیرش نتایج بعدی آن ، در کار ۵۹ ، مساله
را در لفافه و بشکل زیرکارانه ای طرح
نمودند :

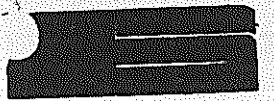
" آنجا که شورا های واقعی کارگری
بر کارخانه حاکم است ، کارگران باید
با افزایش تولید و بهره وری کار
مانع تبلیغات نفاق افکنانه
دشمنان خود شوند
(تا کید از اپورتونیسیتهاست)
همانطور که این مساله بدون ارائه
کوچکترین تحلیلی طرح شده بود در پی

آن نیز برای حتی وبدون ارائه کوچکترین
تحلیل " عا مل وجود شورای واقعی " حذف
گشت و " کمیته مرکزی " در (ارگان سراسری)
شماره ۷۰ خود در مقاله " (بررسی انتقادی
قانون کار ۴۰۰۰) در جواب کنگره شوراهای
اسلامی که میگوید " بخاطر نیاز کشور به
استقلال و خودکفایی ... ساعات کار در هفته
۴۸ ساعت مقرر میگردد " می نویسد :

البته برای خودکفایی و مبارزه علیه
وابستگی به امپریالیسم کار بیشتر
باید انجام گیرد ولی این بدان معنا
نیست که این کار بیشتر با تحمیل و
فشار بیشتر بر کارگران شاغل باشد ...
وبدینصورت با زیر پا نهادن اصول اولیه
تحلیل طبقاتی و همچنین زیر پا نهادن
حرف خود مبنی بر لزوم وجود شوراهای
واقعی ، کارگران را دعوت میکند تا برای
پر کردن هر چه بیشتر ریب سرمایه داران
وابسته و در نتیجه سرشار تر نمودن سود
امپریالیسم به تولید بیشتر بپردازند
ولی مطرح میکند که این تولید بیشتر
باید با استفاده از ابزارهای کارگران
انجام شود و نه فشار بیشتر بر کارگران
شاغل (که با در نظر گرفتن مواضع بعضی
" کمیته مرکزی " بنظر میرسد این مساله
بیشتر از روی احساس ترحم و شفقت طرح
شده تا دید طبقاتی) ، با شروع جنگ پرده ها
هر چه بیشتر بکنار میروند و پیمان دوستی
اپورتونیسیتها و بورژوازی عیان تر
میگردد . شرایط جنگی باعث میشود که
بورژوازی لحن صریح تر و بی پرده تری
اتخاذ کند و بدون هیچگونه پرده پوشی
کارگران را به تولید هر چه بیشتر بدون
کوچکترین چشمداشت بخواند و از " خیر و
برکت های جنگ " سخن براند . (ما قبلا
نمونه های بسیاری از این شیوه برخورد
بورژوازی را طرح کرده ایم) اپورتونیسیتها

نیز برای آنکه از قافله عقب نمائند
پرده های شرم و حیاء را بکناری زده در -
" ارگان سراسری " شماره ۸۰ در مقاله
" کارگران مبارزان ایران ... " بنا
ارگانهای بورژوازی و دولتی بر قایت
مبپردازند . در این مقاله " کمیته مرکزی "
با اعلام حمایت بی دریغ از کارگران
کارخانه قند اصفهان که تن به چهار
ساعت اضافه کاری (بدون دستمزدها) داده اند
و همچنین کارگران شرکت " آما " که
پنجمشنبه و جمعه ها را نیز بکار میپردازند
این عمل را نشانه رشد آگاهی کارگران
دانسته تمامی کارگران را به پیروی از
این روش میخواند . در نتیجه اپورتونیسیتها
در گام بعدی حرکت خود با زیرکی تمام
شرط بکارگیری کارگران بیگانه را برای
افزایش تولید را نیز از گفته های
بقیه در صفحه ۱۶

برافراشته باد پرچم مبارزه ایدئولوژیک



سیر قهرائی... بقیه از صفحه ۱۵

میدهند که در نتیجه روستای خم قلعه کا ملامنهدم میگردد و نوز لشکر ۴۰۰ نفره دنبال این حمله اعلام نمود که به ازاء هر خود رو یک روستا را مورد حمله قرار خواهد داد.

"کمیته مرکزی" این حملات را بدون کوچکترین اظهار نظر و با تفسیری نوشته و در آخرین ذکر کرده که:

"طرف چند روز گذشته در حادها ارومیه و میاندوآب به مهاجرت ارتش ضربات شدید را از جانب حزب دمکرات متحمل گردیده است"

مساله کا ملا روشن است، "کمیته مرکزی" میخواهد با سودجویی از شیوه بورژوازی روزنامه نگاری با ارائه چند خبر دست چین شده به خواننده تداعی نماید که نیروهای جنبش مقاومت خلق کرد اولابه ستون های عازم مرز که برای "مقابله با عراق" میروند یورش میبرند و آنان را متوقف میسازند، ثانیاً این نیروها با عراق در ارتباطی چنان تنگاتنگ است! قرار دارد که حملات خود را با یکدیگر برنامهریزی میکنند! از سوی دیگر پاسداران این نیروهای مترقی وضد امپریالیست "ارتش این نهاد انقلابی مدافع میهن! در قبال حملات وحشیانه نیروهای کرد مجبور شده اند که یک روستا را با خاک یکسان کنند و اعلامیه ای نیز مبنی بر نابودی روستاها در عوض خودرها صادر نمایند. "کمیته مرکزی" با این عمل خود میخواهد با یک تیر دو نشان بزند اول اینکه نیروهای سیاسی خلق کرد را در اذهانتوده ها ضد انقلاب و مزدور وابسته عراق جا بزند و از سوی دیگر آب تطهیر بر سر ارتش ضد خلقی و پاسداران سرکوبگر جمهوری اسلامی بریزد و آنان را در عوض نیروهای ضد امپریالیست جا بزند.

"کمیته مرکزی" برخورد اپورتونیستی خود را با جنگ کردستان (در وجه عملی) با شرکت خجولانه در این جنگ شرکت بدون نام سازمانی که بر طبق نظر اکثریت صورت میگرفت) آغاز نمود که این شکل فرصت طلبانه شرکت در مبارزات خلق کرد در تداوم خود به اعلان جنگ کردستان بعنوان جنگ برادر کشی انجامید یعنی جنگی که در دوسویش دوبرادر ایستاده اند یکی از برادرها خلق کرد و دیگری برادر او ارتش ضد خلقی و در راس آن فلاحیها، ظهیر نژادها و چمرانها هستند، برادر دیگر خلق کرد، سپاه پاسداران است که با وجود نوب بودن تجربیات وسیعی در سرکوب کارگران و زحمتکشان و خلقهای ایران اندوخته است (در همین ضمن شعار "سرکوبگران خلق کرد دشمن همه خلقهای ایران هستند" نیز به شعار برقراری صلح در کردستان بدلگشته

در پی این "گرایش نوین" بود که تمامی جنبهها از پرور و گشت "جنگ افروزان" که در راس ارتش و در درون حاکمیت قرار داشتند این بار در درون جنبش خلق کرد جای گرفتند، "ایادی امپریالیسم" و "دستهای مشکوک" نیز تغییر جهت

قبلی شان حذف میکنند و خواسته های بورژوازی را صریح و بی پرده بیان می کنند. این شکل از موضع گیری در عین حال جواب روشنی است نه آن عده از رفقای کسه خوشیا و رانه تصور میکنند با ذکر تیودی چون "تولید بر اساس امکانات موجود" اپورتونیسم برای راست هدا نیست میشود. (توصیه میکنیم تمامی این رفتار این مقاله از ارگان سراسری شماره ۸۵ را با مقاله "ما کارگران متعهد و مسلمان را به کار و تولید بیشتر فرا میخوانیم" در روزنامه جمهوری اسلامی ۱۴ مهر و نیز سخنان وزیر صنایع و معادن، هاشمی رفسنجانی و سایرین در مورد افزایش تولید در جمهوری اسلامی ۱۳-۱۴ و ۱۵ مهر مقایسه نمایند تا موضع مشتت سرگ اپورتونیستها و بورژوازی هر چه بیشتر مشخص گردد). ولی مسلم است سوسیال شونیستها به دنبال روی از بورژوازی اکتفا نمیکنند بلکه میخواهند به هر صورت ممکن خوش خدمتی و آستان بوسی خود را بدرگاه حاکمیت و سرمایه داران اعلام دارند تا مگر گوشه ای از مزاحم آنان شامل حالشان گردد در نتیجه این بار با وثیقه نهادن جان کارگران و زحمتکشان و مایه گذاشتن از جوانی و نیروی بازوی آنها به اعلام مراتب خوش خدمتی میپردازند و در "کارگران سراسری" شماره ۸۱ و در مقاله "کارگران شیشه و گاز... با وقاحت تمام مینویسند: "کارگران در دوشیفت ۱۱ ساعت و ۱۳ ساعت و در شرایطی که همه هواکشها و منافذ سالنهای کارگاه، بخاطر جلوگیری از تابیدن نور باید مسدود باشند، بکار طاقت فرسای شبانه روزی در فضائی خفه و داغ و در کنار کوره ها بکار میپردازند"، "این فداکاری و تحمل انقلابی سخت ترین شرایط کار را برپا نگردد آگاهی، هشیاری انقلابی و درک مسئولانه عمیق طبقه کارگر قهرمان میهن ما است. شایسته است که این درک - مسئولانه انقلابی سرمشق همه کارگران و زحمتکشان میهن ما قرار گیرد".

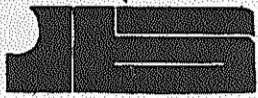
لازم به توضیح بیشتری در این مورد نیست "گرایش قهرائی" "کمیته مرکزی" در این زمینه که توسط ایجاد شرایط جنگی بین ایران و عراق تسریع گشته و شکلی بی پرده رخ مینماید در روی این حملات بخوبی آشکار است. جملاتی که با صحنه نهادن بروحشیا نه ترین شکل استثمار و بهره کشی در چنین شرایط سخت و طاقت فرسائی هر کمونیست و هر مدافع طبقه کارگر را به نفرت وامی دارد. موردی دیگر از برخورد سوسیال شونیستها در اخبار کردستان، "ارگان سراسری" شماره ۸۱ بچشم میخورد. در این اخبار پس از ذکر چند خبر پپی در پی از حمله حزب دمکرات به ستونهای ارتشی عازم قصر شیرین و میاندوآب، "کمیته مرکزی" مینویسد: "در جریان این حمله یک میگ عراقی نیز به هلیکوپترهای اسکورت ستون حمله ورمیشود، پس از این حمله پاسداران مستقر در میاندوآب روستاهای محل حمله را با توپخانه مورد حمله قرار

دادند و سراز درون نیروهای مبارز خلق کرد در آوردند. اگر تا بحال "جنگ طلبی" برخی از جناحهای حاکمیت "و سران ارتش" باعث ادامه جنگ و کشتار در کردستان بود این با حرکات نیروهای جنبش مقاومت بود که جنگ برادر کشی را تداوم بخشید و بالاخره اگر تا بحال "مزدوران امپریالیسم" در ارتش رخنه داشتند اینبار سران و رهبران نیروهای سیاسی کردستان به عوامل بعث پرورده و "ضدانقلاب" بدل شدند و در تداوم این "گرایش قهرائی" است که ارتش پاسداران آنچنان تطهیر میشوند که اگر روستائی را به توپ میبندند و با خاک یکسان میکنند و دست خود را بخون خلق کرد آغشته مینمایند فقط از ره- اجبار و برای دفاع از جان و بعثت حملات حزب دمکرات و سایر نیروهای سیاسی منطقه است و بس، این مواضع تسلیم طلبانه و سازشکارانه و این برخوردهای فرصت طلبانه احتیاجی به پاسخ ندارد.

پاسخ "کمیته مرکزی" را خلق کرد با حذف پشتیبانی خود از اپورتونیست ها و با یکی دانستن آنها با "حزب توده" داده اند. نمونه ای از نفرت خلق کرد از اپورتونیست های "کمیته مرکزی" اینکه در تاریخ نهم مهر ماه توده های خشمگین کرد پس از حمله به دفتر بوکان اکثریت و صادره انقلابی اموال آن را به آتش کشیدند و همچنین در مراسمی که در روز عید غدیر بدعت سپاه پاسداران و با حمایت اکثریت و حزب توده در مهاباد برگزار شد ۲۰۰ نفر شرکت کننده در مراسم، در مقابل خشم انقلابی توده ها قرار گرفته و فراری شدند ولی بهتر است "کمیته مرکزی" نیز به هواداران اش پاسخ دهد که چرا اگر اینچنین که او مدعا و تبلیغ میکند کردستان مقرر ضد انقلاب، مقرب اختیار و پالیزان و اویسی و مقرای نادانی امپریالیسم و بعث پروردگان مزدور است اگر اینگونه نیروهای سیاسی خلق کرد که پایگاه وسیعی نیز در میان توده ها دارند (و خود "کمیته مرکزی" به این مساله اذعان دارد) تحت نفوذ ایادی عراق و در زد و بند آنها نند پس چرا عراق بخود جزات نمیدهد که با نجا حمله کند. چرا عراق "منطقه آزاد شده" مورد نظر خود را در آنجا اختیار نمیکند؟ چرا تمامی سطوح هر شمارها از "ارگان سراسری" انباشته از چنین مثالهایی است. اما تصور میکنیم مثالهای ذکر شده "گرایش قهرائی" "کمیته مرکزی" به اعماق اپورتونیسم را بشکل روشنی مشخص میسازد.

آخرین نمونه از این شکل برخورد شرکت "کمیته مرکزی" در راهپیمائی ۱۳ آبان است. "کمیته مرکزی" با شرکت خود در این راهپیمائی (به بیان صریح تر راهپیمائی آزادی گروگانها) نهایت انحطاط خود را بنمایش در آورد. ما مشخصاً اعلام میکنیم صرف نظر از اینکه "کمیته مرکزی" برای آزاد شدن جاسوسهای آمریکائی چه محمل های توجیهی بر تراشید و بدان چگونه برخورد نماید در عمل با شرکت در این راهپیمائی تأییدگامی خود را بر آن نهاده و بدینوسیله در فرب و تحمیق توده ها با حاکمیت شریک گشته است.

مبارزه ایدئولوژیک علنی گامی است در جهت وحدت جنبش کمونیستی



هسته های سرخ کارخانه

بقیه از صفحه ۱۴

- ◆ تهیه شناسنامه کامل کارخانه .
- ◆ کشف بهترین طریق توزیع نشریات در کارخانه .
- ◆ شناسائی نیروها و شبکه حاضرند اعلامیه های ما را پخش کنند . و رساندن غیرمستقیم اعلامیه ها به آنان .
- ◆ وظیفه شناسایی افراد مترقی ، کارگران پیشرو و ... بعنوان یک وظیفه همیشگی .
- ◆ رفقای هسته باید اساسی ترین وظیفه خود را قبل از هر چیز ، نقش شاخک های حسی فوق العاده قوی سازمان (یا حزب) در کارخانه بدانند این رفقا باید چشم و گوش و زبان پرس و جوگر سازمان در کارخانه باشند . این رفقا باید تا اعماق کارخانه را زیر پوشش بگیرند . این عمل هیچ لزومی به ارتباط تشکیلاتی داشتن زیاد با کارگران ندارد ، کافی است با یک کارگر از هر قسمت دوست بود .
- ◆ رفقای هسته باید برخورد خورده را با کارگران شدیداً " زیر کنترل بگیرند ، بطوریکه آنها متوجه کارکرد سیاسی رفقا نشوند ، به تجربه دیده شده که دفاع بيموقع رفقا از اعلامیه ها یا نشریات ما ، یا بکار بردن اصطلاحات نوشته ها یمان و از این قبیل ... ظن اطرافیان را برانگیخته است .
- ◆ رفقای هسته باید در کارخانه ، آن چنان برخوردی داشته باشند که با تعداد زیادی کارگر ارتباط رفیقانه داشته باشند . برخورد مداوم با این افراد هم در جمع آوری خبر کمک میکند و هم جلوی انحرافات ما را (از قبیل چسپو راست زدن احتمالی) میگیرد .
- ۲- وظایف سیاسی هسته ها در کارخانه
- ◆ شناسایی و کشف خواستهای کارگران بطور عمده ترین خواست کارخانه بطور خاص ، که تبلیغ

و ترویج روی آن بیشترین نیرو را بسیج میکند .

◆ کشف فشارها و ستمها و شبکه در بخش های مختلف به کارگران رومی دارند . در این مورد حتی از ستم احتمالی که به یک فرد نیز وارد میشود ، نباید گذشت .

◆ بررسی وضعیت نیروهای سیاسی دیگر در کارخانه ، شیوه های کارکردشان ، خط حرکتی شان (مضمون تبلیغ و ترویج) ، واکنش کارگران درباره تبلیغ و ترویج آنها ، از مواردی است که باید دقیقاً تعیین شوند .

◆ روانشناسی کارگران کارخانه ، بررسی روحیه کارگران و گرایشات فرهنگی موجود در سطح کارخانه . کشف این مسایل بجا کمک میکند تا بتوانیم بهترین شیوه کارکرد در سطح کارخانه را دریابیم .

◆ رفقای هسته باید همواره در صد یافتن طرقی باشند که بتوانیم از جریاناتی که درون بالایی های کارخانه می گذرد مطلع شویم اطلاع از مسائلی مانند : درآمد کارگران ، چگونگی زندگی آنها گذران اوقات بیکاری آنها ، اطلاع از مقامات دولتی و ارگانهای سرکوب کارگران و غیره ... اینها همه بعنوان مواد اولیه هستند که اگر در رابطه با مشکلات و مسایل کارگران مطرح شوند ، بیشترین تاثیر تبلیغی را بجای می گذارند

◆ تشویق و هدایت کارگران بشرکت هر چه فعال تر در شوراها و سندیکاها و دیگر تشکلهای توده ای . (چه شفاهی و چه کتبی) .

◆ تعیین سطح سیاسی کارگران کارخانه و مسائلی مطرحه بین آنها ، برای معین کردن سطح و نوع تبلیغ و

ترویج .

سعی در ایجاد نشریه کارخانه ، که بمثابة وظیفه بسیار مهم هسته های سیاسی - مخفی میباشد . این نشریات ، بهترین طریق نشان دادن شرکت ما در مبارزات روزمره کارگران ، هدایت آنان و ایزوله کردن اپورنیسم راست میباشد (در شرایط کنونی) .

◆ هسته های مخفی باید با تبلیغ و ترویج وسیع و پخش اعلامیه ها و نشریات ، آگاهی کارگران را بالا برده ، و به ارتقاء سطح تشکلهای آنان یاری رساند ، و درجهتی که مبارزه صنفی می طلبد ، تشکلهای توده ای را رادیکالیزه ، تقویت و جهت دار نمایند . با بهره برداری از مبارزات اقتصادی بنفع مبارزات سیاسی و ارتقاء این مبارزات به سطح اعتراضات سیاسی و انقلابی ، آن را در خدمت جنبش کارگری و کمونیستی قرار دهند . تبلیغ و ترویج هسته های مخفی باید بر استحکام مبارزه اقتصادی و اعتمادی که هسته صنفی در صفا اول آن قرار دارد ، بیفزاید .

◆ رفقای هسته باید عمیقاً " در وضع و شکل اعتراضات درون کارخانه قرار داشته باشند . و بتوانند سطح جنبش را در این کارخانه با کارخانه های هم تولید آن و کل جنبش کارگری شهرستان و کشور قیاس کرده و با اتخاذ تاکتیک مناسب در جهت پیوند آنها با یکدیگر بکوشند . رفقا باید بتوانند اشکال اعتراضی آینده را پیش بینی کنند و اینها ممکن نیست مگر اینکه با یکایک کارگران کارخانه و مسایل آنها ارتباط تنگاتنگ داشته باشیم .

* * *

* بعلمت مسائل امینتی پیاره ای از قسمتهای این نوشته حذف ، و بجای آن چند نقطه گذاشته شد .

تعطیل دوروز در هفته گامی در جهت تأمین رفاه کارگران و لازمه ارتقاء آگاهی آنان است

افزایش مالیاتهای غیرمستقیم...

بقیه از صفحه ۱

برخوردا راست، تاثیر افزایش بهای بنزین بر افزایش قیمت کالاهای دیگر است. با همان سرعتی که قیمت برخی از کالاهای بالایی رود و دولتی مالیاتهای غیرمستقیم را بر بخشی از ما بخواهد، قیمت سایر اجناس و لوازم مورد نیاز توده ها نیز افزایش می یابد.

دولت جمهوری اسلامی برای تامین هزینه های جنگ مناسب ترین راه را در افزایش مالیاتهای غیرمستقیم یافته است و در آینده ما شاهد افزایش مالیاتهای غیرمستقیم بر بخشهای دیگر از کالاهای لوازم مورد نیاز توده ها خواهیم بود.

توده ها نه تنها باید با مالیات غیرمستقیم را بردوش بکشند، بلکه همراه با افزایش مالیاتهای غیرمستقیم باید کالاهای دیگر را نیز به قیمتی گرانتر بخرند. بدین طریق با گذشت هر روز بر قیمت کالاهای اجناس مورد نیاز مردم افزوده خواهد شد، تا سرمایه داران - سودهای کلان تری را بجیب بزنند و سرمایه های این جنگ خانمان برانداز



هزینه های این جنگ خانمان برانداز نیست و نخست وزیر است می گویند، پس چرا بهای هر لیتربنزین در کشور ماکه خود تولید کننده آن هستیم باید گرانتر از کشورهای بی بنزین هاستید؟ هر کسی که استدلال نخست وزیر را شنیده باشد، در همان لحظات اول پی برده است که او بجهت آشکارترین وجهی دروغ می گوید و مردم را فریب میدهد. از این گذشته او استدلال می کند که مصرف کنندگان بنزین بیشتر کسانی هستند که قادرند، افزایش ۲۰ ریالی در هر لیتربنزین را بپردازند.

اولاً اکثر کسانی که باید این مالیات ۲۰ ریالی بر هر لیتربنزین را بپردازند، توده های خرده بورژوازی هستند که در شرایط بحران اقتصادی موجود، شدیداً زیر فشارهای مادی قرار گرفته اند، و این افراد صدونه سرمایه داران که با این مالیات غیر مستقیم را بردوش می کشند. برای سرمایه داران نه ۲۰ ریال، بلکه ۲۰۰ ریال هم مسأله نیست، آنها با استثمار بیشتر کارگران و غارت بیشتر خلقهای میهن ما چند صد برابر این مبلغ را تامین می کنند. ثانیاً مسئله ای که از اهمیت بیشتری

بعوض افزودن بر مالیاتهای سرمایه داران و زمینداران، بر مالیاتهای غیرمستقیم افزوده است.

نخست وزیر محمدعلی رجایی در مصاحبه رادیو تلویزیونی خود که چهارشنبه ۱۵۹/۸/۲۱ صدا و سیما جمهوری اسلامی پخش شد، در پاسخ به سؤال مربوط به علت افزایش بهای بنزین و سایر ما بخواهد، زندگی مردم بچنان استدلالات عوامفربانه ای متوسل شد که حتی برای هر بیننده و شنونده ناآگاهی نیز بی پایه بودن آنها آشکار بود.

او بعوض پاسخگوئی به مسئله افزایش پیاپی قیمت ها و توسل دولت به افزایش مالیاتهای غیرمستقیم چنان صحبت می کند که گویا، مردم چیزی هم به دولت بدهکارند.

نخست وزیر در باره افزایش بهای بنزین می گوید که جمهوری اسلامی از مدت ها قبل قصد افزایش قیمت بنزین را داشته و این امر نه در ارتباط با مسئله جنگ بلکه دقیقاً در رابطه با هزینه های بالای هر لیتربنزین است.

معلوم نیست که آقای نخست وزیر در پاسخ باین سؤال مردم که اگر افزایش بهای بنزین در رابطه با تامین

رئیس کل بانک مرکزی...

بقیه از صفحه ۱

شده ایران در آمریکا بتوسط قطب زاده مطرح شد. در آن زمان میزان دارائی ها ۸ میلیارد دلار ذکر شده بود اما اکنون میزان این دارائی ها ۱۴ میلیارد دلار یعنی نزدیک ۱۰۰ میلیارد تومان ذکر می شود. نویری رئیس کل بانک مرکزی طی مصاحبه ای در روزنامه انقلاب اسلامی بتاريخ ۱۲/۸/۵۹ با این مسئله اش از کرده می گوید از ۱۴ میلیارد دلار ۸ میلیارد دلار آن متعلق به بانک مرکزی ایران، ۲ میلیارد دلار متعلق به بانکهای دیگر، حدود ۳۰۰ میلیون دلار متعلق به موسسات کوچک از قبیل هواپیمائی ملی ایران و بالاخره ۲/۵ میلیارد دلار آن مربوط به پیشکش - پرداختهای وزارت دفاع به آمریکا برای خریدهای تسلیحاتی است که نقداً پرداخت شده و اجناس در آمریکا بلوکه شده است و مابقی سود حاصل از آنست و جود این پولها در بانکهای امپریالیستی و چند ملیتی چه مفهومی می تواند داشته باشد این امر چیزی جز ابقای قراردادهای اسارت بسار اقتصادی و نظامی را توجیه نمی کند. غیر این صورت هیچگونه دلیلی برای باقیماندن این پولها در بانکهای امپریالیستی نمی تواند وجود داشته باشد البته شخص آقای نویری مخالف

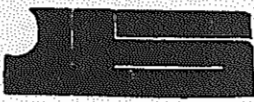
بود و حتی از بیان نوع این قراردادها امتناع کرده بود و فرصت طلبان کمیته مرکزی آب و تاب و صرفاً برای اثبات مواضع بغایت فرصت طلبانه خود از لغو قراردادها و نظایر آن سخن می راندند (ارگان سراسری شماره ۷۸ مقاله صدور ضداقلاب)

اکنون ریاست بانک مرکزی از پنا بر جایی قراردادها بعنوان عملی انقلابی سخن می راند، و حتی از فسخ برخی قراردادها بتوسط بختیار مزدور که در یک شرایط بحران همه جا نبسته اقتصادی و سیاسی و گسترش جنبش توده ای سعی میکرد تا توسل به این شیوه ها چند صباحی مذبحانه به تحمیل توده ها بپردازد و دوا کمیته را تثبیت کند، انتقاد می نماید و تلویحاً ابقای قراردادهای نظامی و اقتصادی را با توجیهاتی فریبکارانه بیان می کند.

آیا سخنان نویری توجیهی جهت ابقای قراردادهای گذشته و انعقاد قراردادهای تازه نخواهد بود؟ اگر به سخنان نمایندگان مجلس که یکی از شروط آزادی گروگانها را بازگشت به شرایط ۲۳ آبان یعنی بازگشت به معاهدات قبل از تحریم اقتصادی توجه کنیم، می بینیم دولت ایران از آمریکای جنایتکار استعفا می کند قراردادهای قبلی را محترم شمارد و این امر یعنی

بقیه در صفحه ۱۹

لغو قراردادها هستند و از آنجا که مدیر کل بانک مرکزی دولت جمهوری اسلامی می باشند، نظر ایشان بیانگر سیاست اقتصادی دولت جمهوری اسلامی است. نویری در این مصاحبه می گوید: "البته در این مورد قراردادها ای که در زمان شاه بسته شده است به مسئله خیلی مهمی بر میخوریم و آن اینست که می دانیم بختیار دست و بازار کار آمریکا بود بنا بر این در زمانیکه در قدرت بود مقداری از قراردادهای ما با آمریکا را یک طرفه فسخ کرد و شعارش این بود که این کار یک کار انقلابی است، در صورتیکه عکس این قضیه صادق است به اینصورت که فرضاً شما هواپیمائی بوئینگ از آمریکا خریده آید و روز خرید قیمت این هواپیماها ۲۰ میلیون دلار است ولی بعد از دوسه سال قیمت این هواپیما ۸۰ میلیون دلار است. الان مثلاً هلی کوپترهایی که ما در ایتالیا داریم و هنوز به ما ندادند و دولت ایتالیا به خاطر دستور کار تر جلوی تحویل آنها را به ایران گرفته، ما در این مورد قراردادها یمان را لغو کرده ایم و اگر این قراردادها را لغو کنیم دولت ایتالیا می تواند اینها را به سه برابر قیمتی که در آن زمان به ما فروخته فوراً بفروشد یعنی چون احتیاج زیادی به این نوع کالاهاست قیمت های آنها با سرعت بالایی می رود." اگر دولت تاکنون در مورد قراردادهای گذشته سکوت اختیار کرده



قسمتی از اعلامیه پشتیبانی بخشی از دانش آموزان پیشگام مشهد

"اکثریت کمیته مرکزی" بنا به مصالح خویش از برخورد صریح با حاکمیت گریزان و عمده ترین وظیفه خود را برخورد با گذشته قلمداد میکنند. و رفقای اقلیت را پای بند به (مشی چریکی) می دانند! چرا؟
 زیرا رفقای اقلیت به اصول ما رکنیسم - لنینیسم وفا دار بود و میآموختند که "مسئله اساسی هر انقلاب موضوع قدرت حاکم است. بدون توضیح این مسئله نمی توان از هیچگونه شرکت آگاهانه در انقلاب و به طور اولی از رهبری آن صحبت کرد." (لنین قدرت دوگانه) برخلاف نظر کمیته مرکزی که در مبارزه با ییدولوژی یک مشی گذشته سازمان را عمده میکند
 حال وظیفه دانش آموزان انقلابی است که به میان توده ها رفته و برای کارگران و زحمتکشان و خلقهای قهرمان میهنمان توضیح دهند که:
 چرا یکسال و نیم بعد از قیام هنوز مشکلات اساسی آنان بیکاری، گرانی و مسکن حل نشده است؟
 چرا دانش آموزان، دانشجویان و مبارزان انقلابی که در زمان رژیم ضد خلقی شاه خائن به خاطر منافع زحمتکشان مبارزه کردند و محاسنها را همانند ۱۶ ذرها، ۱۳ آبانها را فریاد انداختند مورد تهاجم ارگانهای سرکوب هیئت حاکمه قرار میگیرند و زندانهای جمهوری اسلامی از این انقلاب بیرون پراست...؟
 در این شرایط وظیفه خود دانسته با حمایت و پشتیبانی از جناح انقلابی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران "اقلیت" به افشاء سیاستهای اپورتونیستی حاکم - "اکثریت کمیته مرکزی" دست زده و با روشن نمودن نقطه نظرات سازشکاران آنان برای هواداران و توده های زحمتکش میهنمان پرچم خونین رزم کارگران و زحمتکشان را همچنان برافراشته داریم.

نابود باد اپورتونیسم در همه جلوه های رنگارنگش
 مرگ بر امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلی
 بخشی از دانش آموزان پیشگام مشهد
 ۵۹/۵/۲۵

با اتحاد و مبارزه کارگران پالایشگاه آبادان...

بقیه از صفحه ۳

روید؟ چرا خود و خانواده هایتان به شهرهای جنگ زده نمیروید که سرمشق باشید؟
 آقای خامنه ای اگر راست میگوید بروید در آبادان و از این نطق ها بکنند، بزود آبادان و از جمهوری اسلامی دفاع کند، در دانشگاه سخنرانی کردن که کاری ندارد.
 یکی از این کارگران دردناک حرفهای خود گفت: "ما همان هائی هستیم که شما و همه همردیفها یان میگویند گلوی دولتها در دست شماست"، بله گلوی دولت در دست ماست، الان هم اگر خواهیم میتوانیم همان کار را بکنیم.
 ما ایندگان کارگران و کارکنان به تفصیل از اوضاع و احوال همه کارکنان و کارگران سخن گفتند. سرانجام کارگران توانستند با یکپارچگی و اتحاد محکم خود وزیر را مجبور به پس گرفتن بخشنامه مزبور کنند. آخرین تصمیماتی که گرفته شد با این ترتیب بود که کارکنان پالایشگاه آبادان در صورت لزوم به پالایشگاههای تهران، شیراز، تبریز و هر کجای دیگر که لازم باشد بروند کار کنند. البته کارگران این را در صورتی قبول کردند که خانواده شان نیز از نظر مسکن و سایر احتیاجات تامین بشوند.

جنگ آمده بودند و نفرت از جنگ را با تمام وجودشان فریاد میزدند. آنها خطاب به معاون وزیر نفت گفتند: شما از حال و روز ما بی خبرید، شما درزیبیمبر ما را آنها نیستید، شما در آنها بیتان نشسته اید و دستور میدید و بخشنامه صادر میکنید، شما آقای معاون وزیر در خانه امن و راحتان نشسته اید و فریاد میکشید که سنگرها را خالی نکنید، از شما میپرسم مگر در سنگرهای عراقی زنی بچه های عراقی هستند که با ما می جنگند؟ وقتی پالایشگاه خراب شده و از کار افتاده، وقتی آنجا شب و روز بمباران میشود، وقتی ما دست خالی هستیم و هیچکاری از ما ساخته نیست و آتش عراقی ها هم مدام بر سر ما میبارد ما چه کار باید بکنیم؟ چرا خانواده های ما باید زیر آتش بمباران زمین بروند؟ آقای بوشهری دست نگهبان شما چیست؟ تفنگ (ام - یک) آیا با (ام - یک) می شود با خمپاره جنگید؟ مادر آبادان حتی این راهم نداشتیم، یعنی این راهم بمانداند، به آنها هم که بلد بودند ندادند، آنوقت شما میگوئید برگردید آبادان، سنگرها را خالی نکنید! شما آقای معاون وزیر، آقای وزیر و همان آقای خامنه ای که در دانشگاه نطق میکند چرا خود و خانواده هایتان به جبهه نمی

رئیس کل بانک مرکزی...

بقیه از صفحه ۱۸

تقاضای ایران برای بازگشت به شرایط گذشته آنقدر وقحانه است که مزدوری چون یزدی را به اعتراضی مصلحتی و امیدارد.
 اما نکته دیگری که نوبری بیان میپردازد مسئله عدم مکان خروج پولها از بانکهای امپریالیستی است و از این مسئله وحشت دارد که مردم از دولت بخواهند پولهای ایران را از بانکهای امپریالیستی خارج سازد و برای پیشگیری از آن میگوید: "ایمن ۱۴ میلیار دلار را نمی شود در آن واحد از آمریکا و بانکهای اروپایی مستقل کرد یعنی حتی اگر این پولها را بخواهیم یک روزه مستقل کنیم بازار پولی بین المللی بهم می خورد و سیستم پولی بین المللی بهم می خورد و این پولها هم به صورت اسکناس نیست و انتقالش مدت ها طول می کشد و این مسئله ایست که مادر آینده حتما خواهیم داشت و باید اقدامات لازم برای این کار حتما انجام شود" (همان روزنامه) مدیر کل بانک مرکزی دولت جمهوری اسلامی از درهم ریختن بازار پولی بین المللی احساس نگرانی می کند و دلیل آن نیز روشن است، چرا که پیوند سرمایه مالی در سطح جهان این اصل را می طلبد که سرمایه داران و نظریه پردازان سرمایه داری، منافع طبقاتی خویش را در محدوده یک کشور ندیده بلکه آنرا جهانی ارزیابی کنند.
 مزوری بر سخنان نوبری یکبار دیگر صحت گفتار ما را مبتنی بر این نکته حاکمیت کنونی فدا میریالیست نبوده بلکه خواهان روابط اقتصادی - سیاسی و نظامی با امپریالیستها می باشد با شکارترین وجهی نشان میدهد.

چرا خانهای سنجابی آزاد شدند!

بقیه از صفحه ۲۵

حاکمیت "حاکمیتی ملی و مترقی" و نیز "دمکرات و انقلابی" نیست.
 اما علیرغم سرکوبی توده های زحمتکش این منطقه در آینده، توسط خانهای سنجابی و امثالهم که از حمایت کامل رژیم جمهوری اسلامی برخوردارند (بزیان دیگر حکومت از آن خودشان است)، سرمایه داران و مالکینی که قدرت را در دست دارند جان سالم از دست خلقهای قهرمان ایران بدر نخواهند برد و خانهای سنجابی هم از این قاعده مستثنی نیستند.

هم اکنون با عوض شدن استاندار سابق و آمدن استاندار جدید که از جناح لیبرالهاست و همچنین بدست گرفتن ریاست بسیج عشایری غرب توسط کریم سنجابی که میان یاران و همدستان خود اسلحه بخش کرده است، قدرت عملاً در این استان بدست لیبرالها افتاده و تکلیف زمینهای تقسیم شده از حال معلوم است.
 هم اکنون برای اکثریت زحمتکشان این مناطق ثابت شده است که ایمن

اعتصاب تاکسیرانان

رانندگان تاکسی میگویند: اگر دولت راست میگوید چرا هنوز مابهالتفاوت چهارریال گران شدن نرخ قبلی بنزین را بمانداده است

و تحقیق رانندگان تاکسی داشت. اما رانندگان همچنان ایستادگی کردند. روز پنجشنبه بیست و دوم آبان نیز اعتصاب رانندگان تاکسی ادامه یافت. در این روز شش نفر از رانندگان تاکسی توسط پاسداران دستگیر شدند اما مقاومت رانندگان باعث آزادی آنها شد.

طرحی که رانندگان تاکسی ارائه دادند این بود که برای تسهیل کار و رعایت بهای ۱۰ ریال، ده جایگاه فروش بنزین به تاکسیرانان اختصاص یابد. حدود ساعت یک بعد از ظهر رانندگان بمنظور افشای حاکمیت و اثبات حقانیت خواستهای خود دست به راهپیمایی زدند، سرانجام پس از بازگشت به محل اتحادیه، نماینده دادستان در آنجا حضور یافت و پس از توضیح و تفسیرهای کذائی در مورد مساله جنگ و غیره گفت: "کسی حق ندارد پلاک شما را بکند (شهردارت پلاک گرفته بود که اگر رانندگان کار نکنند پلاک آنها را میگیریم) و در پایان اظهار داشت که فعلا شنبه بروید و هزار تومان از بانک ملی بگیرید تا ما هفته آینده یا نوزدهم پمپ بنزین در اختیار شما بگذاریم تا شما بتوانید بنزین را لیتری ۱۰ ریال تهیه کنید". رانندگان تاکسی نیز علیرغم بی اعتمادی شان نسبت به حاکمیت و وعده و وعیدهای آن، گفتند: "ما تا اول آذر ماه صبر میکنیم و اگر به خواسته های خود نرسیم دوباره دست به اعتصاب خواهیم زد".



در میادین، چهار راهها و جایگاههای فروش بنزین جمع شده و از سایر همکاران خود خواستند جلوسا ختمان اتحادیه تاکسیرانان جمع شوند. لازم بتذکر است که این اتحادیه همیشه اقدامات دولت حامی مایه داران را علیه زحمتکشان تأیید نموده است. این مساله را بسیاری از رانندگان تاکسی چنین بیان می داشتند که "اتحادیه تاکسیرانی هیچگونه نمایندگی از طرف ما رانندگان نداشته بلکه همیشه در جهت از بین بردن مشکل و حقوق رانندگان اقدام نموده است".

بمرور تعداد زیادی از رانندگان جلو اتحادیه جمع شده و یکصد خواهان تحویل بنزین بقیمت لیتری ۱۰ ریال بودند. رانندگان تاکسی می گفتند: "چطور ۴۸۰۰ تومان مابهالتفاوت چهار ریال را هنوز نمانده اند ولی الان میخواهد ما هیات ۲۱۰۰ تومان مابهالتفاوت بپردازند". آنها می گفتند "دولت میخواهد از تاکسی و وانت باج بگیرد" و شعار میدادند: "بهاج میدهیم ونه میگیریم". آنها معتقد بودند که "عقب نشینی در این مورد بمعنای تحمیل این هزینه به مسافرین است".

در این اثنا تعدادی از پاسداران مسلح جمهوری اسلامی و تعدادی با لباس شخصی بمیان رانندگان آمده و بشیوه های مختلف از جمله توهین و تهدید به کندن پلاک تاکسی ها و زدن برچسب "ضدانقلاب" به رانندگان تاکسی متوسل شدند. انجمن اسلامی تاکسیرانان نیز بر و اول همیشگی خود سعی در ایجاد تشنت و تفرقه

با افزایش بهای بنزین، دولت جمهوری اسلامی بمدت چند روز با تبلیغات وسیع از رادیو و تلویزیون اعلام کرد که بمنظور تسهیل حمل و نقل مسافرین و برای اینکه به افتخار زحمتکش جامعه فشار وارد نشود، بهای هر لیتر بنزین برای تاکسی، وانت و موتور همان ۱۰ ریال در نظر گرفته شده است. صبح روز بیست و یکم آبان ماه رانندگان تاکسی در جایگاههای بنزین متوجه شدند که باید در ازای هر لیتر بنزین مبلغ سی ریال بپردازند. این امر موجب خشم و نفرت رانندگان تاکسی و وانت با قرار گرفتن آنها بزوادی دریافتند که دولت جمهوری اسلامی در این چند روز با طرح لوگیری از اعتراض رانندگان آنها دروغ گفته است و آنها را با اصطلاح غافلگیر نموده است.

با اوچگیری اعتراض رانندگان تاکسی و وانت بار، سردمداران جمهوری اسلامی اعلام کردند که رانندگان محترم تاکسی و وانت آگاهی داشته باشند که مابهالتفاوت ۱۰ تا ۲۰ ریال با آنها مسترد خواهد شد. اما رانندگان می گفتند چرا میخواهید بیست ریال اضافی را از ما بگیرید و بعد آنرا پس بدهید؟ بسیاری از رانندگان با توجه به تجربه های پیشین خود معتقد بودند که این نیز یک توطئه و دروغ است آنها می گفتند اگر دولت راست میگوید پس چرا مابهالتفاوت بنزین سال قبل را که چهار ریال برای هر لیتر بود هنوز بماند داده است.

چیزی نگذشت که رانندگان تاکسی

کشاورزان کرمانشاه میپرسند: چرا خانهای سنجابی آزاد شدند؟

زمینهای مالکین بزرگ زدند. یکی از این مالکین که زمینهاش توسط کشاورزان مصادره شد، عسکرخان سنجابی است که تقریباً ده ماه پیش حدود ۱۰۰ قرضه تفنگ از مقامات حکومتی در استان کرمانشاه گرفته بود تا با اصطلاح امنیت منطقه را حفظ کند. در جریان انتخابات مجلس، بین عسکرخان و استان اختلافاتی پیش آمد و منجر به این شد که توسط هواپازان حزب جمهوری اسلامی در کرمانشاه، علیه عسکرخان و یاراناش دادگاهی تشکیل شود اما جالب اینجاست که از آنجا که این حاکمیت از منافع سرمایه داران و زمینداران دفاع میکند، بعد از دادگاه مالکین را الوصف آزاد شدند و عده ای از کشاورزان از ترس آنها فراری!

مرا چوب زد، فلج شدم، بیمارستان افتادم. عرچاهم که شکایت کردم جوابی نشنیدم. رئیس دادگاه گفت چرا با توجیحین کردی؟ کشاورز گفت: "آقا من فقط با و گفته بودم حقم را بده". پس از قیام بهمن ماه پنجاه و هفت کشا روزان این منطقه نیز هما نندبقیه مردم قهرمان ایران، بگمان اینکه حاکمیتی ملی و مترقی جایگزین حاکمیت ضد خلقی گذشته شده است، منتظر ماندند تا زمینهای تمام مالکین بزرگ مصادره شده و خودشان نیز محاکمه شوند، اما پس از گذشت زمانی چند، در تجربه روزمره خود دریافتند که این حاکمیت به هیچوجه در فکر دفاع از منافع آنان نیست. آنها خودشان، بهار امسال در قسمتهای از مایه دشت دست بمصافره انقلابی

مالکین سنجابی، عسکرخان سنجابی، شامارخان، کریم خان و محمدخان از جمله آستان بوسان رژیم گذشته هستند که سالهای زیادی کشا و ورزان منطقه کرمانشاه را تحت ظلم و ستم خود قرار داده اند، آنها هر کدام صدها هکتار زمین دارند. کنایه آن این منطقه بخوبی این مالکین را می شناسد چرا که سالهای سال رعیت و تحت ستم آنها بوده اند. ظلم و ستم این فئودالها که هر یک سابقه ای بلوانی در فساد اخلاقی، تور و تجاوز و تخریب و آزار مردم دارند، بر روستائیان ستم دیده را بهتر است از زبان یکی از زحمتکش زهدادگاه با اصطلاح انقلاب که در مرداد ماه جهت محاکمه این ز الوصفان تشکیل شده بود تصویر کنیم: کشاورز زحمتکش می گفت: "آقا این مالک

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلیش